

اول تا شرط ششم آقایانکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .
رئیس - تصویب شد ماده هفتم بپارت ذیل قرائت شد ماده ۷ در هر کس حوزه انتخابیه مطابق صورتیکه در جدول منضم باین قانون معین شده حکومت محل انجمنی باسم انجمن نظارت انتخابات موقتاً تشکیل میدهد که متصدی و مسئول صحت انتخابات باشند و اگر تمام اهالی نقاط یک حوزه انتخابیه نتوانستند در مرکز حوزه حاضر شده انتخابات را بعمل آورند در نقاط لازمه یک انتخابیه ممکن است با تصویب حکومت انجمن های نظارت جزو تشکیل شود که متصدی انتخابات آن نقاط شود .

حاج سید ابراهیم - در شور اول معین کرده بود انجمن نظارت مرکزی و انجمن نظارت جزء وغالب آقایان مطلع هستند که حوزه ها بالنسبه بآن حوزه بندی اول بگفتاری وسیع تر شده است یعنی تصور نگرددند بر آن نقاطیکه محتاج بانجمن جزء نباشد و اینبارت .

(اگر تمام اهالی نقاط یک حوزه تا آخر را مناسب بآن حوزه بندی نمیدانم بجهت

اینکه نوشته است : ممکن است با تصویب حکومت انجمنهای نظارت یا بنظر حکومت چون ما در انتخابات بوده ایم و میدانیم که یک انجمن نمیتواند از عهده برآید یعنی همه آنجا حاضر شوند و بنده هم پیشنهاد کرده ام که در آن نقاطیکه محتاج هست حوزه های وسیع در نقاطش حتماً تشکیل شود که انجمن نظارت مرکزی حق نداشته باشد بگوید لازم نیست انجمن جزء تشکیل شود باید حتماً انجمن جزء تشکیل شود

مهرز الملک - بنده برعکس تصور میکنم

این چیزیکه اینجا نوشته شده است خیلی بهتر است بجهت اینکه وقتی که میگویند یک حوزه انتخابیه نام از اینکه حوزه بزرگ باشد یا حوزه های کوچک این انتخاب یک عملیاتی دارد که باید آن عملیات در مرکز حوزه بعمل بیاید پس یک چیزی که معمول است باید قید شود منتها آقایان میگویند بطور استثناء بجهت اینکه از حیث وسعت زمین و کمی جمعیت ممکن است که نقاط مختلفه حوزه های انتخابیه باهم مسافت زیادی داشته باشد و اینجهت نتوانستند در مرکز حوزه حاضر شوند و انتخابات خودشانرا بعمل بیاورند بله این نظر خیلی خوب است اما کمی میتواند تمیز بدهد آیا این نظر را منتخبین که اینجا نشسته اند و مقنن بهتر میتواند تمیز بدهد یا مرکز حوزه انتخابیه که در آن حوزه آن انتخابات باید بعمل بیاید بهتر مطلع و ملتفت است البته آن حوزه انتخابیه که ناظر بر اعمال انتخابات آن محل است است بهتر میتواند این مسئله را تمیز بدهد و بصیرت او از همه بهتر است و نباید تصور کرد که یک انجمن نظارت مرکزی که نظارت دارد بر عملیات آن حوزه انتخابیه فقط بواسطه هوا و هوس شخص شده در آنجا نخواهند کرد که انتخابات آنجا بعمل بیاید اگر یک همچنین سوغتی داشته باشیم که یک همچین انجمن نظارت مرکزی خواهیم داشت همان غلط کاریهایی را که میخواهد خواهد کرد که بآن انجمن نتوان اعتماد کرد و مسئول صحت انتخاب قرارداد علی الخصوص که این نکته را نباید فراموش کرد که اگر چه انتخابات حق عمومی

است و یک چیزی است که هر یک از افراد ایرانی که دارای شرایط معینی که در قانون انتخابات معین شده است باشند حق دارند که بپایند رأی خودشان را بدهند ولسی مقنن وقتیکه قانون انتخابات را مینویسد باید ملاحظه کند که حوزه های انتخابیه باید طوری باشد که هر چه زودتر بتوان عهد نمایندگانی که لازم است برای مجلس شورای ملی که یکی از شرایط بزرگ است بتوانند زودتر و بهتر و راحت تر در اینجا حاضر شوند و آراء خودشان را بدهند باین جهت بقیه بنده ما هر چه بتوانیم سهل تر و آسان تر یک شرایطی قرار بدهیم بهتر است و بیشتر اسباب سهولت انتخابات را فراهم کرده ایم و اگر در بعضی نقاط حوزه انتخابیه لازم شد شمس آن دائر میشود خوب است مادر اینجا تصریح نکنیم و اگر گذار بنظر خود آنها بنمائیم بجهت اینکه ما که نمیتوانیم در تمام حوزه های انتخابیه نظارت داشته باشیم بهتر اینست آن را واگذار کنیم بکسانیکه مستقیماً مسئول صحت عمل هستند و بصیرت دارند در امر انتخاب و مستقیماً مأمور نظارت در امر انتخابات و مسئول نظارت انتخابات میباشد فقط یک زمین این قانون انتخابات معین شده است و باید یک حوزه انتخابیه معین بشود و باقی شعب حوزه های انتخابیه منوط بنظر خود حوزه انتخابیه مرکزی باشد .

محمد هاشم میرزا - بنده با این ماده که از کمیسیون گذشته است مخالفم و همچنین با فرمایشات آقای مهرز الملک آیم مقصود از این چه چیز است اولاً ما میخواهیم حق انتخاب به بلوکات و قراعه بدهیم یا نهیم اگر میخواهیم ندهیم یک مرتبه بگوئیم ندهیم و چنانچه از ایشان راجع کنیم که آنها هم از این خیال فارغ باشند و بیجهت و سبب بپای انتخابات نینفتند و اگر میخواهیم بدهیم باید بکارهای پیدا کرد که بعضی که درصدد انتخاب هستند بتوانند انتخاب کنند اما این است که میگویند همه اش بنظر انجمن مرکزی باشد بلعالم ننگته ایم که تمام آنها را همین جامعین کنند اگر بهتر این بود که تمام نقاط جزء حوزه ها در سفر اول معین شده بود و در کمیسیون رد شد یعنی هیئت دولت بعضی نظریات داشت حالا که بنظر آنها واگذار کرده ایم البته حرفی نداریم و در موفعت هر جا کلازم بدانند انجمن جزء قرار خواهند داد لکن ممکن است هم نباید گفت مثلاً فرض بفرمائید شاید انجمن نظار اصفاها بعضی نقاط را لازم ندانست که انجمن نظارت جزء قرار بدهد و چند نقطه هم انجمن نظارت جزء داشته باشد یا در کیلان صلاح ندانند آنوقت خیلی ابتلاآت نسبت بنظراتی که در انجمن نظار پیدا خواهد شد آنوقت اگر در یک بلوک معتبری انجمن نظارت قرار ندهد نمیتوان گفت که خود آنها را معروم کردن از انتخابات و انجمن جزء تشکیل ندادی بجهت اینکه خواهد گفت که بخوابیم بقیه بنده باید نوشت در نقاط مهمه لزوماً باید انجمن نظار جزء تشکیل شود که بکلی اختیار بدست انجمن نظار کل نباشد بله تعیین موضوع او و اینکه در کجا باید تشکیل شود این اختیار باید بنظر انجمن مرکزی باشد ولی همه اش بلفظ ممکن است نباید اکتفا کرد بجهت اینکه خیلی چیزها ممکن

است ننگند چه بسا میشود که ممکن است انجمن نظارت جزء در نقاط مهمه تشکیل داد و ابتدا انجمن جزء تشکیل نکرده و بلفظ انجمن اکتفا کرده و در دو نقطه سه نقطه که یک حوزه انتخابیه معین شده است که ممکن است دو سه انجمن معین بشود آنوقت یک انجمن مرکزی تشکیل بدهد ما باین را واگذار بنظر آنها بکنند مثلا در محلات و گلیا بنگان در ملایر و تبریز کان این سه نقطه و یک حوزه انتخابیه تشکیل شده است و حق انتخاب بکنفر با آنها داده شده است حالا اگر نباشد ملایر را مرکز قرار دادیم یا ساوه یا زرنده را و بگوئیم ممکن است در آنجا انجمن تشکیل شود آنوقت حق انتخاب را یکی از آن نقاط که قصبه ایست یا قدری بزرگتر است یا حاکم نشین است قرار داده ایم در صورتیکه مبینیم خیلی از نقاط در ضمن یک حوزه واقع شده است که اهالی آنها طبیعتاً مختلفند اخلاقاً مختلفند زوفاً مختلفند و نقاطی در بین آنها هست که اگر بکلی اختیار را بدست آن نقطه واگذار کنیم بقیه من مثل اینست که فی الواقع انتخاب صد هزار نفری را یک جمعیت سی هزار پایست هزار نفری داده ایم و اختیار هشتاد هزار نفر دیگر را بدست آنها واگذار کرده ایم بجهت اینکه آنجانی را که مناسب انجمن مرکزی نداشتند انجمن قرار داده اند از انتخابات دیگر و باینکه آنها را معروم کرده اند از انتخابات دیگر آنکه بفرض اگر هم در بلوکات انجمن جزء قرار دادیم ولی تجزیه نکردیم و حق نماینده آنها را معین نکردیم حکماً رأی های آنها مضحل میشود نسبت برآی های نقاط دیگر چون انتخاب هم جمعی است و اکثریت از درجه اقلت اینها هم کمتر است و هیچ فایده نخواهد کرد و اگر لفظ لزوماً را کدوبیش نهاد کرده ام آقای مغز بیدرند عرض دیگری ندارم و الا دوباره پیشنهاد مینمایم و ثاباً اجازه خواهم خواست .

دکتر سعید الاطباء - موافقت بنده از اینکه در شور اول دیده شد که در آن حوزه بندی های مفصلی که نوشته بودند هر چه خواستیم کمی در کمیسیون که اسامی دهات و قصبات جزء نوشته شود دیدیم که ابدأ نمیتوانیم اینجا تمام اسامی قصبات و دهات را بنویسیم و چون نمیتوانیم بنویسیم گمان میکنم و باید در این ماده نوشته شود تصویب حکومت باشد و در هر نقطه اگر لازم باشد انجمن های جزء تشکیل شود بجهت اینکه اگر این شرط را نکنیم معلوم میشود و آنجا هائیرا که ما اسم نبرده ایم از حق انتخاب معروم کرده ایم یعنی آن نقاطی را که ما نوشته ایم نباید رأی بدهند پس لازم میدانم اینطور نوشته شود که دولت فقط میتواند اطلاع پیدا بکند بواسطه نمایندگان که حکام باشد و هر جا انجمن نظارت جزء لازم است و در آنجا تشکیل بشود پس عقیده من این است که نمیتوانیم یکی یکی از نقاط را اسم ببریم بجهت این که اگر هم ما بخواهیم انجمن های جزء را در اینجا بنویسیم رأی بدهیم باز نقاط جزئی خواهد بود که اسم آن ها را نمیتوانیم اینجا بنویسیم و در واقع آن ها را معروم کرده ایم .

دکتر حاجی رضاخان - بله باید دانست که اشخاصیکه هوا خواه انتخاب هم می هستند فقط

نه این است که مدعی شرطند زیاد شود زیرا وقتیکه وسیله عملیات زیاد شد آن وقت فلسفه انتخابات عمومی از بین می رود ما میدانیم وقتیکه فرضاً از تهران بورامین اعلان انتخاب داده شود و گفتیم که بیاید در تهران معنی این است که ما معروم کرده ایم تمام ورامین و ساوجبلاغ و غیره را و آن ها را لایق ندانسته ایم از برای انتخابات و حقیقتاً منافات دارد که ما شرط طول و مالیات بده بود در آن می کنیم و آن وقت می آیم شرط میکنیم که اگر حاکم یا انجمن مرکزی میلش باشد قبول کند که انجمن نظارت جزء تشکیل شود و بگوئیم انجمن نظارت بهتر از اطلاع دارد و نیز میباید تعیین تخصیص برای انجمن نظارت خواهد آورد و آن ها یک فضیلتی نخواهد داشت و متخصص نخواهد بود که نظریات آن ها امروز از نظریات مجلس بهتر و بالاتر باشد اینست که معروم کردن این اشخاص با انتخاب عمومی مناسب نخواهد شد و سابق هم که من دو کمیسیون بودم عرض کردم که هیچ مردم را نمیتوانیم مجبور کنیم ولی لافاقل برای هر حوزه دو جا سه جا اختیار باید داده شود که اگر آن دو جا کفایت نکرد بتصویب حکومت تعیین یک محل دیگری بشود نه این است که تصویب یک حوزه بکنیم و آن وقت او مجاز باشد در تشکیل و تشکیل ندهد در آن صورت هیچ وقت هم اول قراعه و بلوکات رأی نخواهد داد .

رئیس - گویا مذاکرات در این باب کافی باشد **ذکاء الملک** - چون بالنظر ممکن است مخالفت روز ندهنده یک اصلاحی نوشته ام بخوانند اگر صلاح دیدند رأی بدهند (بدینضمون قرائت شد) از تقاطی که اهالی آنها نتوانستند در مرکز حوزه حاضر شده انتخابات را بعمل آورند انجمن نظارت مرکزی بتصویب حکومت انجمنهای جزء تشکیل خواهد داد که متصدی انتخابات آن نقاط بشوند

رئیس - آقای زنجانی پیشنهاد خودتان را مسترد میکنید .

زنجانی - خیر یک مقدار اصلاح دیگر لازم دارد .

رئیس - پس باشد آقای محمد هاشم میرزا شما اصلاح خودتان را مسترد میکنید یا این اصلاحی که از طرف کمیسیون شد .

محمد هاشم میرزا - بله مسترد میکنم **حاجی سید ابراهیم** - من هم مسترد میکنم اصلاح آقای شیخ ابراهیم زنجانی بمشیل ذیل قرائت شد .

بنده پیشنهاد میکنم که ذیل ماده هفتم چنین نوشته شود (در نقاط لازمه یک حوزه انتخابیه انجمن های نظارت جزء بتصویب حکومت و انجمن نظارت مرکزی در تحت نظر نماینده از جانب حکومت تشکیل میشود که نظر در صحت انتخابات آنی داشته باشد .

زنجانی - یکی اینکه قید (ممکن است) از بین رفته یکی اینکه بتصویب انجمن و حکومت و انجمن مرکزی هر دو باید باشد یکی اینکه در تحت نظر نماینده حکومت هم باشد این قید در اینجا لازم است .

ذکاء الملک - گمان میکنم این لازم نباشد و مقصود آن هم حاصل است بجهت اینکه بند نوشته

بصویب حکومت و کلیه انجمن نظارت در تحت نظر حکومت است و تصور میکنم این پیشنهاد بنده بهتر است .

زنجانی - انجمن جزء در تحت نظر نماینده حکومت باشد در اصلاح بنده است و خیلی لازم است **رئیس** - میخواهید آقای زنجانی اصلاح شما را رأی بگیریم .

ذکاء الملک - بنده آن قسمت را قبول میکنم که انجمن جزء در تحت نظر نماینده حکومت باشد **رئیس** - قبول میکنید .

ذکاء الملک - دو مرتبه بخوانند مجدداً اصلاح آقای زنجانی خوانده شد ذکاء الملک آن عبارت خود بنده را هم بخوانند (خوانده شد)

ذکاء الملک - بنویسند که با نظارت نماینده حکومت متصدی انتخابات آن نقاط شوند .

رئیس - تمام ماده خوانده میشود باین اصلاح ماده هفتم با اصلاح اولی و ثانوی آقای ذکاء الملک بترتیب ذیل قرائت شد .

ماده ۷ - در مرکز هر حوزه انتخابیه مطابق صورتیکه در جدول منضم باین قانون معین شده حکومت محل انجمنی باسم انجمن نظارت انتخابات موقتاً تشکیل میدهد که متصدی و مسئول صحت انتخابات باشد و در نقاطیکه اهالی آنها نتوانند در مرکز حوزه حاضر شده انتخابات را بعمل آورند انجمن نظارت مرکزی با تصویب حکومت انجمن های جزء تشکیل خواهند داد که در تحت نظر نماینده حکومت متصدی انتخابات آن نقاط شوند .

رئیس - رأی میکنیم به ماده هفتم با این ترتیبی که اصلاح و قرائت شد آقایانیکه تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۸ ماده هفتم بپارت ذیل قرائت شد

ماده ۸ (در محل هائیکه انجمن ایالتی یا ولایتی قانوناً برقرار است انجمن نظارت مرکز خواهد بود از سه نفر از اعضای انجمن ایالتی یا ولایتی بانظارت خود انجمن و چهار نفر از مردمان معروف باامانت و باسواد از طبقات اربعه تجار و اصناف و علماء و اعیان و ملاکین تعیین حاکم انجمن نظارت انتخابات در هر محلی در تحت نظارت حاکم محل خواهد بود .

اقترحار الواعظین - در اینکه چهار نفر از طبقات اربعه که موکول بتعیین حاکم کرده است اگر موکول بنظر خود انجمن ایالتی یا ولایتی باشد بهتر است

ذکاء الملک - انجمن ایالتی که نماینده دارد در انجمن نظارت سه نفر از انجمن ایالتی معین می کند چهار نفر را هم حکومت .

حاجی وکیل الرعایا - عرض بنده فقط اینست که اسم علماء را جلواسم تجار بپندازند چون آنجا اسم تجار جلوا افتاده قدری از نزاکت خارج است **ادیب التجار** - اعیان و ملاک هر دو یکدرجه اند هر دو یکی است بنده عقیده ام اینست که اصناف را دونفر تجار بکنند و علماء را هم بکنند و ملاک را هم بکنند کفایت میکند و همینطور هم پیشنهاد میکنم

رئیس - ماده نهم قرائت میشود تا در ضمن آقای ادیب التجار پیشنهاد خودشان را بنویسند

ماده ۹ (در جاهائیکه انجمن ایالتی یا ولایتی نیست انجمن نظارت انتخابات مرکز خواهد بود از ۳ نفر معتمدین اهل محل بملاوه ۴ نفر از طبقات اربعه مذکور در ماده ۸)

رئیس - اینماده مربوط است بماده هشتم ماده ۹ خوانده میشود ماده ۹ بپارت ذیل خوانده شد .

ماده ۱۰ (انجمن نظارت از میان اعضای خود یک نفر رئیس و یک یا دو نفر منشی انتخاب می نماید .

رئیس - در ماده ۹ مخالفی نیست (مخالفی نداشت) آقایانیکه تصویب مینمایند قیام نمایند اغلب قیام نمودند .

رئیس - تصویب شد ماده ۱۱ ماده یازدهم بپارت ذیل خوانده شد

ماده ۱۱ - انجمن نظارت دو هفته بعد از انجام انتخابات حوزه انتخابات حوزه انتخابیه مقرر می شوند .

رئیس - مخالفی نیست در این ماده کسی اظهاری نکرد .

رئیس - آقایانیکه ماده یازدهم را تصویب میکنند قیام نمایند اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد ماده دوازدهم بپارت ذیل خوانده شد

(فصل پنجم طریق انتخابات)

ماده ۱۲ - انتخاب نماینده گان مجلس شورای ملی در حکایه مملکت ایران بطور یک درجه مستقیم است .

رئیس - این ماده را رأی دادیم دیگر محتاج برای نیست (ماده ۱۳)

ماده ۱۳ - در محل هائیکه موافق تقسیم انتخابات حق انتخاب بکنفر نماینده دادند انتخاب فردی عمل میشود و در محلهائیکه بیش از یک نفر نماینده باید انتخاب نمایند انتخاب جمعی خواهد بود توضیح مراد از انتخاب جمعی آن است که هر یک از انتخاب کنندگان در وره رأی بدهد تا بشاید کمی معین شود هر گاه در آن محل اسامی اشخاص را میفرستد و مراد از انتخاب فردی آن است که هر یک از انتخاب کنندگان در وره رأی اسم بیک شخص را مینویسند

رئیس - در ماده ۱۴ مخالفی است (گفتند خیر)

رئیس - آقایانیکه ماده ۱۳ را تصویب می نمایند قیام نمایند اغلب قیام نمودند

ماده ۱۴ - انتخاب نمایندگان با اکثریت نسبی است لکن باید نك رأی دهندگان لا اقل دو باره بکنفر رأی بدهند تا بشاید کمی معین شود هر گاه در نوبت اول عده آراء لازمه برای کسی حاصل نشد تجدید انتخاب میشود و در نوبت ثانی اکثریت نسبی مطلقاً برای منتخب شدن بشاید کمی کافی است .

حاج سید ابراهیم - بنده یک چیز خیلی تازه در اینجا می بینم که مقید کرده است که نك رأی دهندگان در باره بکنفر رأی بدهند یا اینکه غالباً در کمیسیونها که انتخاب میکنیم یا نك ترتیب مرتب و منظمی که داریم بیک اکثریت نسبی ناچار میشود اکتفا کنیم که مقید بنصف و نك نخواهد بود آنوقت در مملکتی که یک ترتیب مرتبی ندارد که در حقیقت

نمیدانند چه کسی را باید انتخاب نمایند ان درست مردم نسبت غالباً میشود که در یک جا انتخاب میکنند واسامی مختلفه بقدری بیرون میآید که معلوم نیست یک نفر پیدا شود که نت رای دهندگان درباره اورای داده باشند اگر هم مجبور شویم که بگوئیم مجدداً انتخابات کنه امر انتخاب هم در مملکت ما ترتیب سهل وآسانی ندارد که بگوئیم فوراً انتخاب شود اگر باز نشد در نوبت سیم و چهارم و پنجم باز تجدید کنند بنا بر این عقیده بنده این است که اکثریت نسبی کافی است و هر چه ما بتوانیم امر انتخاب را سهل تر بکنیم بهتر است از اینکه این شرایط را زیاد بکنیم چه فایده دارد بملایم دلیلی دارد که حتماً نت رای دهندگان رای بدهند بنده میگویم ربع یا خمس رای بدهند همان اکثریت که بنای حکومت ملی است کافی است چون اکثریت را نمیتوانیم مقید کنیم که اکثریت تمام باشد از اینجه عرض میکنم اکثریت فقط بنویسیم بهتر است .

ذکاء الملک - این اکثریت نسبی که اینجا نوشته شده است برای این است که اکثریت تمام بخوانند باشد و حال آنکه حق این بود که انتخابات نمایندگان با اکثریت تمام بشود و اکثریت تمام چون خیلی مشکل بود با اکثریت نسبی قرار دادیم و از آن طرف هم اگر بتوانیم بطور کلی اکثریت نسبی باشد گاهی اتفاق میافتد که یک نماینده بیک عده آراء بلی قلیلی انتخاب شود این بود که بین این دو تار را گرفتیم یعنی نه اکثریت تمام را گرفتیم که خیلی مشکل است نه بکلی اکثریت نسبی باشد با اینجهت این ترتیب داده شد چون در حوزه بندهها یک ترتیبی قرار شد و گما میرود کهنه رای دهندگان بیشتر باشد گمان میکنم که رعایت کمیسیون باین باشد که قید نت را کم بکنند اگر حالا نظرشان این است که قید نت زیاد و اسباب اشکال است بنده هم میتوانم نتایک اندازه همراهی کنم .

حاج شیخ اسدالله - انتخاب معلوم است اگر بشود با اکثریت تمام خیلی بهتر است از اکثریت نسبی اینرا نمیتوان منکر شد اما بعد از آن که خوب نظر میکنیم و تجربیات سابق را در نظر بگیریم و اگر نگاه بکنند در این انتخابی کدر دوره سابق شد از آن آراء خوب میفهمند که نت از تمام رای دهندگان در هیچ یک از نقاط ایران در حق یک نفر واقع نشده است و اگر بنا باشد که ما مقید بکنیم باین که نت تمام رای دهندگان در حق یک نفر رای بدهند تا اینکه بسمت نمایندگی معین بشود آنوقت عقیده من این است که الان که مشغول انتخاب شونید در هر نقطه لاف بکسکال مسئله انتخابات طول خواهد کشید که نصف منتخبین معین و بطهران حاضر شوند و اگر مقیدیت بکنیم در دفعه اول اقلاً سه ماه طول میکشد اگر در آن دفعه معین نشوند و محتاج با انتخابات جدید بشویم که انتخابات جدید را لازم بدانیم ششماه یقیناً طول خواهد کشید بمقیده من همان اکثریت نسبی را خوب است ما کافی بدانیم و بهمان اکثریت همان صورت نمایندگی معین میشود و مجلس شورای ملی خواهد آمد .

ذکاء الملک - اگر پیشنهادی در این خصوص هست خوب است این ماده را رای بگیرند .

رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده است **حاجی آقا** - بنده در وقتی که ترتیب انتخابات اینجا مذاکره میشد میدیدم آقایان بایک احساسات خیلی حرارت آمیزی انتخاب مستقیم را تصویب میکنند و در ضمن فرمایشاتشان فلسفه و برهانی که برای آن ذکر میکنند امروز بکلی فراموش شده است و تمام آن عللی که امروز میگویند برای انتخاب غیر مستقیم است امروز قید میشد که باید ملت از حقوق خودش استفاده بکند و وکیل که با شش رای و هفت رای انتخاب بشود وکیل ملت نیست بنده هم اعتقاد همین است که وکیل که به دوازده رای انتخاب شود نباید فلسفه نمایندگی یا نگاه کرد حالا هم عرض میکنم که باید نمایندگی که وارد این مجلس میشود نماینده ملت باشد البته باید سعی کنند همان طور که سابقاً آقای لسان الحکماء پیشنهاد کردند که یک جمعی در مجلس بیایند که یک مقدار کافی از رای دهندگان در حق او رای داده باشند و یک مقدار رای کافی درباره کسیکه میخواهند او را انتخاب کنند و به مجلس بفرستند داده باشند والا همان ایرادی که در انتخاب غیر مستقیم با کمال حرارت میکردیم باز همان ایراد وارد است پس بنده تصدیق میکنم که در دفعه اول یک نت از رای دهندگان در حق اورای بدهند والا عقیده بنده این بود که اکثریت نام باشد ولی اشکال دارد حالا در دفعه اول همان یک نت ملحوظ بشود و اگر نشد دفعه دوم نظر باینصالحی که میفرمایند با اکثریت نسبی باشد ضرر ندارد اگر چه بنده قطع دارم تجدید انتخاب بعد از آنی که داده شدند در ترتیب انتخابات هیچ اهمیت ندارد منتهی با زنده روز جلو یا عقب تر خواهد شد .

رئیس - مذاکرات در این باب کافی نیست (گفتند کافی است)

رئیس - چند فقره اصلاح پیشنهاد شده قرائت میشود .

(۱) از طرف آقای معزز الملک بطور قبل خوانده شد .

(در ماده ۱۴ عوض یک نت یک ربع نوشته شود) از طرف آقای زنجانی بدین مضمون قرائت گردید بنده پیشنهاد میکنم ماده چهاردهم چنین نوشته شود .

انتخاب نمایندگان با اکثریت نسبی است لکن باید در دفعه اول لا اقل خمس تمام رای دهندگان در باره یک نفر رای داده باشند تا نمایندگی معین شود و هر گاه در دفعه اول عده آراء در باره کسی بخمس نرسد فوراً با همان تفرقه های اول تجدید انتخاب میشود و در این دفعه اکثریت نسبی مطلقاً برای تعیین نمایندگی کافی است .

(۳) از طرف آقای حاجی عز الملک بعبارت ذیل خوانده شد .

انتخاب نمایندگان مجلس با اکثریت نسبی است (۴) از طرف آقای حاجی شیخ اسدالله بدین مضمون قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم که ماده (۴) این نوع نوشته شود انتخاب نمایندگان در تمام مکت ایران با اکثریت نسبی خواهد بود .

رئیس - راجع باین دو پیشنهاد آخر چه میگوئید .

ذکاء الملک - بنده از طرف کمیسیون می توانم قبول کنم .

حاجی عز الملک - بنده یکی از اشخاصی بودم که در شور اول مخالف بودم که انتخابات نمایندگان با اکثریت نسبی باشد ولی در این موقع همانطور که آقای مخبر فرمودند اگر حوزه بندهها بترتیبی بود که هر یک صد هزار نفر یک نفر خیلی خوب بود که سعی میکردیم که انتخابات با اکثریت تمام مشکلکن با این نظریه که حالیه برای کمیسیون پیدا شد چه همانطور حوزه های انتخابیه انتخاب بطور جمعی خواهد بود نمیشود که اکثریت نسبی نباشد با نت یا خمس آراء رای دهندگان باید در باره کسی باشد که منتخ میشود این ترتیب جز اینکه اسباب تمویق در انتخاب و افتتاح مجلس خواهد بود نتیجه دیگری ندارد چه طور میشود که در چند نقطه که رای میدهند ما بگوئیم خمس یا نت نسبت یک نفر رای بدهند این یک چیزی است که خیال میکنم و نتیجه اش این خواهد بود که تأخیر در امر انتخاب خواهد افتاد و در دفعه دوم اینست که عرض میکنم که خوب است برای تسریع در امر انتخابات و انعقاد مجلس شورای ملی اکثریت نسبی را کافی بدانیم و رای بدهیم .

رئیس - آقای حاجی شیخ اسدالله توضیح دارید **حاج شیخ اسدالله** - توضیح داده شد

بهجت - اکثریت نسبی مطلقاً اینجا خیلی مشکل است بجهت اینکه ما قید نکرده ایم که در حوزه انتخابیه چقدر بیایند تفرقه بگیرند چون قید نکرده ایم تصور میکنم مطلق اکثریت نسبی را مناسط اعتبار قرار دادن یکتدری اسباب اشکال فراهم بیآورد اگر قید میکردیم که اقلاً صدیک آنها بیایند بگیرند ممکن بود با اکثریت نسبی بدون قید اکتفا نمایم اما بعد از آنکه اینقدر را نکرديم و گفتیم هر قدر اشخاص آمدند تفرقه گرفتند کافی است آنوقت فرض کنید صد نفر حاضر شدند برای اینکه تفرقه بگیرند هشتاد نفری مختلف داده شد در اینصورت آیا ممکن است یک کسی بدو رای و سه رای بنمایندگی بشناسیم بدیهی است که ممکن نیست و در چنین صورتی باید تجدید انتخاب شود پس باید یک حدی برای اکثریت نسبی قرارداد و الا در انتخابات که درجه در درجه دوم که رای میدهند خودش تنها که رای نمیدهند سایرین هم درباره او رای میدهند و بعبارت اخیری مثل انتخاب مجلس شورای ملی سمسطه و مغلطه است یعنی وقتیکه درست تأمل نقایذ پنج رای که در حق منتخب داده شده است در واقع تمام رای دهندگان در حق آن رای خود را داده اند پس بنا بر این ما نمیتوانیم اکثریت نسبی را بدون قید بگذاریم که با اکثریت پنج رای یا چهار رای یا سه رای نمایند انتخاب شود و باید یک حدی از برای قرار داد و رفع این اشکال بشود برای اینکه به پنج رای نمیتواند اکتفا کرد و یک حدی برای عده رای دهندگان لازم است .

رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد آقای حاج حاج شیخ اسدالله و آقای حاجی عز الملک آقایانی که این دو فقره اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قیام نمودند) .

رئیس - قابل توجه نشد - دو فقره اصلاح دیگری هم هست یکی راجع بخمس و دیگری راجع بربع است اول باید بخمس رای بگیریم که یک قسمت از پیشنهاد آقای زنجانی است قسمت اول پیشنهاد مزبور بعبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم که ماده چهاردهم چنین نوشته شود انتخابات نمایندگان درباره یک نفر رای داده باشند .

رئیس - توضیحی دارید .

آقا شیخ ابراهیم - نظر باینکه هر گاه اکثریت نسبی را تصویب بکنیم ممکن است با عده خیلی قلیلی انتخاب شود باید یک حدی داشته باشد چون اول نت معین شده بود ولی بعد که انتخاب جمعی پیش آمد نت زیاد است و اسباب اشکال ممکن است بشود و با اینجهت بنده خمس را پیشنهاد کردم و بنظر بنده خمس بهتر آمد بملایم بعضی قیودات را هم اضافه کرده ام که اسباب تسهیل کار میشود مثلاً نوشته ام که اگر از انتخاب ولی نتیجه حاصل نشد محتاج به تفرقه جدیدی نباشد و فوراً تجدید انتخاب شود که تأخیر پیدا نکند اگر چه غالباً محتاج به تفرقه جدید و انتخاب جدید خواهد شد ولیکن بنظر بنده اینطور بهتر میآید .

معزز الملک - به چنانکه مجلس شورای ملی تصویب نکرد که انتخابات نمایندگان با اکثریت نسبی باشد برای این بود که نماینده که میآید باید او طرف اعتماد مولکین خودش باشد و آن که او طرف اعتماد هست یا نیست از کجا معلوم میشود از اینجا معلوم میشود که طرف توجه افکار عامه بوده است که آرائیکه در باره او داده شده است و الا یک کسی با ۲۵ رای نمایندگی منت نیست و از این جهت است اگر بعضی اشکالات در بین نبود انتخاب نمایندگان را آن ها و معتقد بیک درجه نمی بودند بایستی قطعاً با اکثریت تمام قرار بدهند ولی از طرف دیگر وقتی هم که میگویند بواسطه اشکالات ممکن نیست با اکثریت تمام باشد نباید وقتیکه میخواهد یک حدی از برای اکثریت نسبی قرار بدهیم آنقدر کم قرار بدهیم که مقصود ما را بکلی از بین ببرد باید یک حدی را قرارداد که طرف اعتبار نباشد و خمس بمقدمه بنده است اما اقلاً باید ربع قرار بدهیم خمس خیلی کم است .

رئیس - کمیسیون قبول دارد **ذکاء الملک** - رای گرفته شود بهتر است **رئیس** - رای میگیریم در خمس آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قبول نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . رای میگیریم در ربع پیشنهاد آقای معزز الملک

ذکاء الملک - ربع را بنده قبول میکنم میخواهید هم رای بگیریم .

رئیس - اگر قبول میکنید دیگر لازم نیست رای بگیریم - یک قسمت از اصلاح آقای زنجانی باقی است باید قابل توجه بشود قسمت دوم از پیشنهاد مزبور با تبدیل کلمه خمس بربع بعبارت ذیل قرائت شد و هر گاه در دفعه اول عده آراء درباره کسی نرسد فوراً با همان تفرقه های اول تجدید انتخاب میشود در این دفعه اکثریت نسبی مطلقاً برای تعیین نمایندگی کافی است .

ذکاء الملک فوراً یکتدری نیمه است اقلاً بنویسند در ظرف یک هفته برای آنکه یک مدتی داشته باشد که اعلان تجدید انتخاب را بنمایند آقا شیخ ابراهیم زنجانی - فوراً هیچ منافات ندارد و مهم نیست فوراً یعنی همینکه معلوم شد که خمس شده است همان فردایش تجدید انتخاب میکند تفرقه ها هم در دست است اطلاع میدهند و میآیند انتخاب میکنند

ذکاء الملک - اینکه میفرمایند فوراً یعنی فردا این ممکن نیست برای اینکه باید اطلاع بدهند که مردم بیایند و این یک مدتی لازم دارد از برای اینکه همه انتخاب کنندگان مطلع شوند والا اگر بنویسند فوراً اگر سه روز بعد نشد میتواند ایراد کنند که چرا فوراً نکرده ولی اگر معین کردند مثلاً در ظرف یک هفته آنوقت هم مردم وقت دارند و هم نمیتوانند مسامحه بکنند و هم محل ایراد نخواهد شد

معزز الملک - بنده تصور میکنم که آقای زنجانی درست دقت فرمودند والا پیشنهاد خودشان را هم پیشنهاد نمی کردند بجهت اینکه تفرقه که میدهند برای چیست برای اینست که یک سندی است درست آن هائی که دارای شرایط انتخابات هستند وقتی که یک تفرقه گرفته و انتخاب بعمل آمده ممکن است من تفرقه را با بدهم بدست یک کسیکه دارای آن شرایط انتخابات نباشد و با همان تفرقه من بیاید در امر انتخابات شرکت میکند انجمن نظارت آنکس را قابل انتخاب میدانند که با تفرقه داده است پس وقتی که آن انتخاب از بین برود باید دوباره تفرقه بدهند .

آقا شیخ ابراهیم - بنده توضیح میدهم اشتباه شده است اگر اشکال این است این اشکالی که میفرمایید در مرتبه اول هم همان اشکال است

رئیس - رای میگیریم در اصلاح آقای زنجانی در قسمت دوم با حذف لفظ خمس دوباره خوانده میشود مجدداً اصلاح زنجانی با حذف لفظ خمس خوانده شد

ذکاء الملک - آقای آقا شیخ ابراهیم متقاعد شدند در ظرف یک هفته را اگر یک هفته نوشته شود بنده قبول میکنم اصلاح آقای زنجانی را در ماده چهاردهم .

رئیس - ماده (۱۴) را بخوانید با اصلاحاتی که شده است - مجدداً ماده (۱۴) با اصلاحات مضمون ذیل قرائت شد .

ماده ۱۴ - انتخابات نمایندگان با اکثریت نسبی است لکن باید ربع رای دهندگان لا اقل درباره یک نفر رای بدهند تا نمایندگی معین شود هر گاه در نوبت اول عده آراء لازم برای کسی حاصل نشده مجدداً در ظرف یک هفته با همین تفرقه های اول تجدید انتخاب میشود و در نوبت ثانی اکثریت نسبی مطلق برای تعیین نمایندگی کافی است

رئیس - این را بهمین ترتیب کمیسیون قبول دارد .

ذکاء الملک - به .

رئیس - رای میگیریم ماده (۱۴) با این اصلاح آقای زنجانی آقایانیکه این ماده را بهمین ترتیبی که قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند قیام نمودند .

رئیس - تصویب نشد .

ذکاء الملک - تقاضا میکنم که رجوع فرمائید بکمیسیون .

رئیس - ماده هشتم و نهم مانده است ولی پیشنهادی آقای ادیب التجار کرده اند در قبال توجه بودن آن رای میگیریم بعد بخود ماده رای خواهیم گرفت پیشنهاد ادیب التجار بعبارت ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم در ماده هشتم جمله از طبقات اربعه اینطور نوشته شود .

علماء یک نفر اعیان ملاک یک نفر تجار یک نفر اصناف دو نفر بتعین حاکم الی آخر

مخبر - در اینجا که از این طبقات نماینده میفرستند نظر بنده نیست عرض این است که چند نفری از طبقات مختلفه باشند که دوره را بشناسند والا نظر بنده نیست که اصناف چون زیاد تر نیستند و نفر بفرستند .

رئیس - آقای ادیب التجار توضیحی دارید **ادیب التجار** - توضیحی خیلی مختصر عرض میکنم جمعیت اصناف چون نسبت با اعیان و ملاک محققاً بالمضايف بیشتر است لهذا اصناف را دو نفر بنده پیشنهاد کرده ام باقی رایکنفر

رئیس - پس کمیسیون قبول ندارد رای میگیریم در پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند عده قلیلی قیام نمودند **رئیس** - ردد ماده هشتم خوانده میشود مجدداً ماده هشتم قرائت شد .

رئیس - رای میگیریم ماده (۸) بهمین ترتیبی که قرائت شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد .

(ماده (۹) بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده (۹) در جاهائیکه انجمن ایالتی و ولایتی نیست انجمن نظارت انتخابات مرکب خواهد بود از سه نفر از معتمدین اهل محل بملایم چهار نفر از طبقات اربعه مذکور در ماده (۸)

رئیس - آقای ادیب التجار چون اصلاح سرکار در ماده ۸ قابل توجه نشد دیگر در ماده (۶) خوانده نمیشود - مخالفی هست .

دکتر سعید الاطباء - در ماده (۸) جاهائی که انجمن ایالتی و ولایتی هست تکلیف معلومست اما اینجا نوشته است انجمن ایالتی و ولایتی از سه نفر معتمدین اهل محل و من نمیدانم آنها را کی باید معین نماید باید بگوئیم قدری اضافه شود مأموریکه میروند در تحت نظر مأمور دولتی باشد و الا معلوم نیست کی آن سه نفر را معین خواهند نمود .

ذکاء الملک - به کمیسیون هم همین مطلب را دیده و بدقت ملاحظه شده است جاهائیکه انجمن هست انجمن تشکیل میکنند و جاهائیکه انجمن هست البته حاکم معین میکنند حالا اگر لازم بتصریح هم باشد تصریح میکنم در آخر همین ماده نوشته شود بتعین حاکم محل باشد .

لواء الدوله - ممکنست که با انتخاب اهل آن محل باشد .

مخبر - نمیشود اینطور قرارداد چون در دو

تسلل لازم میآید کی انتخاب خواهند کرد لایحه در دفعه اول انتخاب این اشخاص را حاکم باید بکند و باید از اشخاص متمتع اهل محل باشد مجدداً ماده (۹) با اضافه جمله تعیین حکومت در آخر ماده قرائت شد.

رئیس - ماده (۹) همین طریق که خواننده شد و اصلاح شد رای گرفته میشود آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند - اغلب قیام نمودند
رئیس - با اکثریت تصویب شد - بقیه ایقان و میماند برای جلسه دیگر رایورت کمیسیون بودجه راجع بحقوق یحیی خان سرتیب بمبارت ذیل قرائت شد.

لایحه وزارت مالیه راجع بحقوق مرحوم یحیی خان سرتیب کاز قراقخانه استعفا داده بود قرائت گردید حقوق مرحوم یحیی خان مبلغ نودوشش تومان شخصی و مبلغ ششصد و شصت تومان حقوق اداری بود و به تصویب مجلس شورای ملی جدیداً در حق آن مرحوم برقرار شده بود کلیه این حقوق هفتصد و پنجاه و شش تومان است و نظر بخدمتنامه مرحوم یحیی خان به ملک نمودن وزارت مالیه پیشنهاد نموده بودند تمام این حقوق بدون کسر بطور استثناء در باره وراثت آن مرحوم برقرار شود پس از مذاکرات لازمه کمیسیون مضامین ذیل تصویب نموده پیشنهاد مجلس می نماید ماده مبلغ بانصد تومان از حقوق مرحوم یحیی خان در بازه وراثت آن مرحوم بترتیب ذیل برقرار شود خان بابا خان پسر مرحوم یحیی خان دو بیست تومان - عیال و سه نفر صبیبه آن مرحوم از قرار نفی ۷۵ تومان سیصد تومان.

رئیس - این پیشنهاد بیشتر به مجلس آمده است و تکلیفش معین نشده مقصود اینست که تکلیف معلوم شود که جواب وزارتخانه داده شود مخالفی هست
حاجی شیخ اسدالله - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید.

حاجی شیخ اسدالله - این حقوق که مرحوم یحیی خان داشته است از قرار معلوم حقوق اداری بوده است و ربطی بحقوق شخصی ندارد اگر بنا باشد ما این فتح باب را بکنیم که حقوق اداری را بیاورند ما تصویب بکنیم این یک دایره وسیعی پیدا خواهد کرد و همه روزه این قبیل تقاضاها بمجلس خواهد آمد بنده عقیده ام اینست که حقوق اداری را نباید مجلس شورای ملی مثل حقوق شخصی درباره وراثت یا غیره تمام یا نصفه اش را تصویب کند بجهت اینست که مادامیکه مشغول خدمت است در آن اداره حقوق اداری باید باشد و قسبه مستعفی شد با مرحوم شد دیگر حق نخواهد داشت اگر میخواهد که چیزی در حق کسی برقرار نکند آن مسئله دیگری است پس خوب است حقوق یحیی خان را بر نهند و شخصاً وزیر مالیه پیشنهاد بکنند یک چیزی مستقیماً و مستقلاً بوراث او داده شود بنده بکلی رای ندارم که مجلس رای بدهد این مسئله را بجهت اینکه این خودش خلاف قانون و وظائف است.

حاج عز الممالک مخبر - بنده محض توضیح عرض میکنم که حقوق اداری نیست و حقوق مرحوم یحیی خان قرائن شخصی است مثل حقوق سایر صاحبان از آنجا است که مجلس تصویب کرده.

لواءالدوله - میخواستیم یک توضیحی درباره مرحوم یحیی خان بدهم که نمایندگان محترم باطلبنان رای بدهند.

رئیس - شما که موافقید پس چرا اکتید مخالفم
لواءالدوله - خیر من موافق بودم

رئیس - لازم نیست رای بگیریم آقایانی که حقوق مرحوم یحیی خان قرار را تصویب می کنند ورقه سفید خواهند داد والا ورقه کبود (شروع باخذ اوراق شد آقای حاج میرزا رضا خان عمده اوراق شماره ۱۰۱ احصاء نمودند).

رئیس - با اکثریت (۵۱) رای از ۷۲ نفر نمایندگان تصویب شد.

رئیس - تقاضای آقای ادیب التجار کرده اند و ۴۲ نفر از آقایان هم امضاء کرده اند قرائت می شود (بمبارت ذیل قرائت شد).
مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی چون اصلاحات مملکت و مخصوصاً پیش آمده های جدید که متضمن این همه خون ریزیها و غارت دارائی اهالی و هتک امراض شده موجب کمال تأثر قلوب نمایندگان محترم است و اوقاتشان مصروف است باینکه معلوم کنند کسانی را که مصداق این وقوعات ناگوار بوده اند را مشخصا که شرکت در این امور نامشروع کرده اند بشناسند و از قرار معلوم اوراق و اسناد زیادی در ضبط هیئت اجراییه دولت است که کاشف این اسرار است لهذا این بنده پیشنهاد میکنم که از جانب مجلس شورای ملی به هیئت وزرای اعظم مرقوم شود که تمام اسناد و اوراق ازین قبیل را بمجلس بفرستند که نمایندگان ملت صاحب اوراق مضرت را شناخته و در صورت صلاح صورت آنرا بمرض ملت برسانند ادیب التجار با امضای ۴۲ نفر دیگر از نمایندگان

رئیس - ۴۲ نفر امضاء کرده اند مخالفی نیست (اظهاری نشد) - آقایانیکه این تقاضا را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).
رئیس - با اکثریت تصویب شد دستور شنبه (۱۳) روز شنبه جلسه سه ساعت و نیم بفرموده ماند بقیه شور دویم قانون انتخابات رایورت کمیسیون بودجه راجع بیکصد و پنجاه و دو هزار تومان حقوق اشخاص را که از بودجه درباری خارج شده است رایورت کمیسیون بودجه راجع به حقوق میرزا حبیب الله مجاهد آقای افتخار الواعظین راجع بدستور فرمایشی دارید.

رئیس - با اکثریت تصویب شد دستور شنبه (۱۳) روز شنبه جلسه سه ساعت و نیم بفرموده ماند بقیه شور دویم قانون انتخابات رایورت کمیسیون بودجه راجع بیکصد و پنجاه و دو هزار تومان حقوق اشخاص را که از بودجه درباری خارج شده است رایورت کمیسیون بودجه راجع به حقوق میرزا حبیب الله مجاهد آقای افتخار الواعظین راجع بدستور فرمایشی دارید.

رئیس - با اکثریت تصویب شد دستور شنبه (۱۳) روز شنبه جلسه سه ساعت و نیم بفرموده ماند بقیه شور دویم قانون انتخابات رایورت کمیسیون بودجه راجع بیکصد و پنجاه و دو هزار تومان حقوق اشخاص را که از بودجه درباری خارج شده است رایورت کمیسیون بودجه راجع به حقوق میرزا حبیب الله مجاهد آقای افتخار الواعظین راجع بدستور فرمایشی دارید.

رئیس - با اکثریت تصویب شد دستور شنبه (۱۳) روز شنبه جلسه سه ساعت و نیم بفرموده ماند بقیه شور دویم قانون انتخابات رایورت کمیسیون بودجه راجع بیکصد و پنجاه و دو هزار تومان حقوق اشخاص را که از بودجه درباری خارج شده است رایورت کمیسیون بودجه راجع به حقوق میرزا حبیب الله مجاهد آقای افتخار الواعظین راجع بدستور فرمایشی دارید.

رئیس - با اکثریت تصویب شد دستور شنبه (۱۳) روز شنبه جلسه سه ساعت و نیم بفرموده ماند بقیه شور دویم قانون انتخابات رایورت کمیسیون بودجه راجع بیکصد و پنجاه و دو هزار تومان حقوق اشخاص را که از بودجه درباری خارج شده است رایورت کمیسیون بودجه راجع به حقوق میرزا حبیب الله مجاهد آقای افتخار الواعظین راجع بدستور فرمایشی دارید.

رئیس - با اکثریت تصویب شد دستور شنبه (۱۳) روز شنبه جلسه سه ساعت و نیم بفرموده ماند بقیه شور دویم قانون انتخابات رایورت کمیسیون بودجه راجع بیکصد و پنجاه و دو هزار تومان حقوق اشخاص را که از بودجه درباری خارج شده است رایورت کمیسیون بودجه راجع به حقوق میرزا حبیب الله مجاهد آقای افتخار الواعظین راجع بدستور فرمایشی دارید.

نایبده تقاضا میکنم که اگر حاضر است در کمیسیون زودتر بمجلس بفرستند در صورتیکه خیلی از آقایان نمایندگان اصرار داشتند که این مسئله بگذرد و اگر بکمیسیون نایبده خواهش میکنم تأییدی به هیئت وزراء بشود زودتر بیاورند و از مجلس بگذرد
رئیس - خیلی خوب هدین کار را میکنم - (مجلس سر به سر است از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۴۰۴
صورت مشروح روز شنبه ۱۳ شهر
شوال المکرم ۱۳۲۹

رئیس - آقای مؤتمن الملک ۳ ساعت و بیست دقیقه قبل از غروب بجای خود جلوس فرمودند و پس از نیم ساعت مجلس افتتاح شد.

صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند.
غائبین جلسه قبل غائب بدون اجازه - آقا سید محمد باقر ادیب قائمین با اجازه.

آقای حاج سید نصرالله - آقا میرزا علی اکبر خان - معتمدالتجار - شریف الملک - معز الملک - آقایانیکه از وقت مقرر تأخیر نموده اند آقای دکتر اسمعیل خان دو ساعت و نیم - آقای حاج آقا - آقا شیخ رضا یک ساعت ناصر الاسلام ۵۰ دقیقه حاج امام جمعه ۵۰ دقیقه آقا میرزا رضای مستوفی ۶۰ دقیقه حاج وکیل الرعایا - آقا میرزا علی اصغرهانی ۳۵ دقیقه افتخار الواعظین - ابوالقاسم میرزا - حاج عز الملک - آقا میرزا ابراهیم قلی حاج مصدق - الامالک نیم ساعت.

رئیس - در فقره اشتباه شده است یکی راجع بماده ۱۴ است که ارجاع شد بکمیسیون یکی هم مواد ۱۰ و ۱۱ و ۱۳ بود که تصویب شد فراموش شده است که نوشته شود.

حاج آقا - بنده با ماده ۱۴ موافق بودم و دفاع کردم بیان برهانیکه سابق عرض کرده بودم و عقیده ام هم این بود که نیک رای دهندگان باید در حق نماینده رای بدهند تا منتخب شناخته شود و اینجا بنده را مخالف نوشته اند اشتباه شده است
رئیس - همینطور که اظهار شد اصلاح میشود دیگر مخالفی نیست (کسی اظهاری نکرد)
رئیس صورت مجلس تصویب شد قانون انتخابات از ماده ۱۵

ماده ۱۵ بطور ذیل خوانده شد.
ماده - در صورت تساوی آراء بین دو یا چند نفر هر عده که محل حاجت باشد بحکم قرعه معین می شود.

رئیس - در ماده ۱۵ مخالفی هست.
لسان الحکماء - اول اینکه در صورت تساوی آراء دو یا چند نفر لازم نیست همینقدر که در صورت تساوی آراء نوشته شد دیگر بین دو یا چند نفر لازم نیست دیگر اینکه در جمله آخر هر عده که محل حاجت باشد لازم نیست و باید اینطور نوشت در صورت تساوی آراء عده مقررده قانونی بحکم قرعه معین خواهد شد.

ذکاء الملک مخبر - گمان میکنم که این دو جمله لازم باشد بجهت معنی اینستکه معنی این میشود هرگاه فرض کنیم حوزه انتخابیه ای است که باید قریب با ختم است و هنوز بودجه مملکتی بمجلس نایبده تقاضا میکنم که اگر حاضر است در کمیسیون زودتر بمجلس بفرستند در صورتیکه خیلی از آقایان نمایندگان اصرار داشتند که این مسئله بگذرد و اگر بکمیسیون نایبده خواهش میکنم تأییدی به هیئت وزراء بشود زودتر بیاورند و از مجلس بگذرد
رئیس - خیلی خوب هدین کار را میکنم - (مجلس سر به سر است از شب گذشته ختم شد)

رئیس - با اکثریت تصویب شد دستور شنبه (۱۳) روز شنبه جلسه سه ساعت و نیم بفرموده ماند بقیه شور دویم قانون انتخابات رایورت کمیسیون بودجه راجع بیکصد و پنجاه و دو هزار تومان حقوق اشخاص را که از بودجه درباری خارج شده است رایورت کمیسیون بودجه راجع به حقوق میرزا حبیب الله مجاهد آقای افتخار الواعظین راجع بدستور فرمایشی دارید.

چهار نفر انتخاب شود پنج نفر از آن حوزه انتخاب شده و از این پنج نفری که انتخاب شده است عده آراء در حق دونفر آنها مساوی است یعنی یکمده آرائی دارند که همه آنها میتوانند انتخاب شوند ولی عده آراء در حق دونفر آنها مساوی است در این صورت چه باید کرد باید قرعه کشید این یک طریق یک طریق هم این است که دو نفر باید انتخاب بشوند یعنی دو نفر مانده است که انتخاب شود لکن چند نفر هستند که یک عده آراء دارند فرضاً بفرمائید شش نفر هستند که چهارصد رای درباره آنها داده شده چهارصد رای هم برای منتخت شدن آن ها کافی است و ما دو نفر منتخب لازم داریم این دو نفر را بین این شش نفر چطور باید معین کنیم باید بقرعه معین کنیم پس اولا دو یا چند نفر لازم است و ثانیاً هر عده که محل حاجت است یعنی چه یعنی پنج نفری که باید انتخاب کنیم سه نفرش انتخاب شده دونفر دیگر حاجت داریم این دو نفر دیگر چطور باید معین شود باید بین آن شش نفر بقرعه معین کنیم پس همینطوریکه نوشته شده است بهتر است لسان الحکماء - این دلیل هائی که فرمودند همه در آن پیشنهاد بنده بود حالا خوب است پیشنهاد بنده را بخواهند.

رئیس - تا مذاکره ختم نشود پیشنهاد خوانده نمی شود.
بجهت - صحیح است که يك فی الجملة تصانی دارد اینجا يك كله لازم است در صورتیکه باین اشخاص مساوی محتاج باشند مثلا اگر تساوی آراء باشد بین سه نفر یا چهار نفر و آن ۴ نفر لازم است در آن صورت محتاج بقرعه نیستیم از مخیر قبول میکنم اصلاح بفرمائید.

بجهت - صحیح است که يك فی الجملة تصانی دارد اینجا يك كله لازم است در صورتیکه باین اشخاص مساوی محتاج باشند مثلا اگر تساوی آراء باشد بین سه نفر یا چهار نفر و آن ۴ نفر لازم است در آن صورت محتاج بقرعه نیستیم از مخیر قبول میکنم اصلاح بفرمائید.

بجهت - صحیح است که يك فی الجملة تصانی دارد اینجا يك كله لازم است در صورتیکه باین اشخاص مساوی محتاج باشند مثلا اگر تساوی آراء باشد بین سه نفر یا چهار نفر و آن ۴ نفر لازم است در آن صورت محتاج بقرعه نیستیم از مخیر قبول میکنم اصلاح بفرمائید.

رئیس - مذاکرات در این ماده کافی است اصلاح پیشنهادی آقای لسان الحکماء قرائت میشود (باین عبارت قرائت شد)
ماده ۱۵ - در صورت تساوی آراء عده مقررده قانونی بحکم قرعه معین خواهد شد.

ذکاء الملک - بنظر بنده این عبارت قدری مبهم بنظر میآید و گمان میکنم وافی بمطلب نباشد و اینکه این جا نوشته شده است واضح تر و ظاهر تر است.

رئیس - آقای لسان الحکماء در اصلاح شما رای بگیریم.

لسان الحکماء - بله رای بگیرید؟
رئیس - رای میکنیم در قابل توجه بودن اصلاح آقای لسان الحکماء (آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند) (اغلب قیام نکردند).

رئیس - قابل توجه نشد رای میکنیم بماده ۱۵ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۶ ماده ۱۶ بتفصیل ذیل خوانده شد.

ماده ۱۶ - ایلات عده موافق حوزه بندی انتخاب هر کدام يك نماینده مستقیماً بمضویت مجلس شورای ملی میفرستند.

حاج سید ابراهیم - این ماده يك قسمتی نوشته شده است که باید يك قید اضافه شود در این قانون

می نویسید که انتخاب کنندگان مجبور نیستند که نماینده گان خود را از اهل محل انتخاب کنند و در این ماده آن نظری که بود این بود که از خود اهل باشد اینجا يك چیزی بوده واقفانه و آن افاده میداد که از خود اهل باشد و اینکه اینجا نوشته است هر يك يك نماینده مستقیماً بمضویت مجلس بفرستند گمان میکنم بهتر این است لفظ از خود اهل هم نوشته شود تا آن مقصود از بین نرود نه اینکه اهل از غیر اهل هم انتخاب کند و این عبارت همچو میرساند میتواند از غیر اهل باشد میتواند هم از خود اهل نیاید.

ذکاء الملک - ما فقط مقید هستیم که يك نفر نماینده مستقیماً از طرف ایلات بمجلس شورای ملی بیاید اما دیگر مقید نیستیم و صحیح هم نیست که حتماً مقید کنیم که از خود ایلات بیاید اگر بخواهد يك ایلی از خارج ایل انتخاب کند نباید او را جلوگیری کرد.

بجهت - بنده بکلی این ماده را زائد میدانم بجهت اینکه در اول این نظام نامه نوشته است که حوزه بندیها از قرار شرح جدولی است که در آخر این قانون مستقیم خواهد شد و یکی از آنها ایل است و نمایندگان از طرف ایلات معین خواهند شد و نظر باینکه چون سکنی در يك محل معین ندارد بنا بجهت آنها معین شده پس بنابراین آن ماده ایلات را هم شامل است اولاً باید از برای ملل متنوعه هم يك ماده بنویسیم که بآنها هم هر يك يك نماینده داده شود پس عقیده ام این است که هیچ لازم نیست و اسم آنها هم جزء حوزه بندیهاست و آنجا هم ذکر شده است.

افتخار الواعظین - باید ایلات عده حق انتخاب بکنند داده ایم و جهت اینکه يك نماینده میبیم البته باندک تأملی خدمت آقایان واضح و آشکار است کالبته از برای این است که ایلات را با حکومت مرکزی مرتبط بکنیم و بوظایف و حقوق ملیه خودشان کاملاً مستحضر و مسبوق شوند و خیلی لازم است که از طرف ایلات عده در مجلس شورای ملی از هر ایلی بکنند نماینده باشد در ذیل این مواد قانونی هم باشد که ما آنها حق داده باشیم در ذیل همین مواد جزء حوزه بندیها هم هست و باید در همین ماده هم باشد.

حاج وکیل الرعایا - مخالفت بنده فقط در آن فقره هر يك از ایلات عده است بنده منفعت این ملت و این مملکت را در این میبینم که از ایلات که واقفاً باستان این مملکتند هر يك يك نماینده در این مجلس داشته باشند و باین وسیله امیدوار هستیم که آنها خیلی زود شهر نشین بشوند و بیش از اینکه حالا سعی هستند از حفظ مملکت خودشان کوشش کنند و راهی بهتر از این نمیبینم که ماصرف نظر کنیم امروز از آن عده نفوس آنها و نظر داشته باشیم که بلکه بهمان اسم ایلیت و با ایل آنها نماینده آنها را در مجلس حاضر کنیم و انتفاعات زیادی که عیالنا هم هست چندان موافقتی ندارند گمان میکنم آنطوری که باید فایده به ایلات مملکت برسد در این مجلس آن وقت برسد حالا دیگر موقوف بنظر آقایان است و

گمان میکنم آن لفظ ایلات عده داشته شود هر يك از ایلات کافی است.
رئیس - مذاکرات در این ماده کافی است (بعضی کافی و بعضی غیر کافی دانستند).

رئیس - رای میکنیم که مذاکرات در این ماده کافی است یا کافی نیست آقایانیکه مذاکرات را در ماده ۱۶ کافی میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند).

رئیس - معلوم شد که کافی است دونفره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود.

۱ - از طرف حاج سید ابراهیم (بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۶ این عبارت بندها لفظ نماینده اضافه شود از خود ایل).

۲ - از طرف آقای میرزا مرتضی قلیخان (بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده ۱۶ این مطلب زیاد بشود) (وسایر ایلات دو جزء هر حوزه هستند رای خواهند داد).

حاج سید ابراهیم - بنده تعجب می کنم از اشخاصی که میفرمایند لفظ از خود ایل لازم نیست یا اینکه فلسفه اینکه تغییر دادند انتخابات اول را به انتخابات ثانی این بود که از خود ایل در مجلس باشند و ملت مملکت شود باشند و حقوق خود را بدانند و اطلاعات محلی هم که دارا هستند دارا باشند و رفع حوائج خودشان را بکنند و آنها را هم داخل بتمن و انسانیت بکنند و دلیل همین بود که مقید کردیم که از خود ایل باشد پس حالا که میگویند لازم نیست که از خود ایل باشد هیچ فایده ندارد که از غیر ایل باشد پس ملحق بکنند بباک نشینها و با عقاید بنده مقید بکنند که از خود ایل باشد لازم است.

معز الملک - بنده تصور میکنم که تمام ایلات ما هم داخل در تمین هستند هم انسانیت و آنها لازم ندارند که کسی آنها را داخل تمین بکند تا بنیاً میخواستیم عرض بکنم که اگر برای انتخاب ایلات قرار میدادند که کسی دیگر غیر از ایلات انتخاب کنند آن وقت معقول بود که قید کنیم که غیر از ایلات نباشد و قسبه اختیار انتخابات را ما بخود ایلات دادیم مختار هستند که از هر جا میخواهند انتخاب کنند البته باید حق داد بآنها که هر کس را خودشان میخواهند انتخاب کنند و اگر بنا شود که این قید نکنیم بمبارت آخری این معنی این است و ممکن است همچو فهمیده شود که آنها آن قدر بصیرت ندارند که چطور انتخاب بکنند غیر آنها خودشان خوب بصیرت دارند فلسفه انتخابات آزادی در انتخابات است هر قدر که ما قائل شدیم که او اختیار دارد که هر کس را بخواهد انتخاب کند او باید بگویم او حق دارد در انتخاب کردن خودش از کجا میداند که کسیکه خارج از ایل باشد منافع يك ایلی را بهتر از خود آنها که در ایل هستند نداند و نتواند منافع آنها را حفظ کند ممکن است بعضی اشخاص باشند که خیلی بصیرتشان و اطلاعاتشان بیشتر از خود ایل باشد پس باین جهت هیچ معقول نیست که ما قید بکنیم که از غیر ایل نباشد برای این که او مختار است که از خودش انتخاب کند

یا از خارج برای این که بنظر خودش اگر ایل را صلاح دید از ایل انتخاب میکند لابد خود ایل میداند که برای چه آن نماینده مجلس شورا خواهد آمد برای این است که نماینده ایل در اینجا باشد برای این است که منافع خصوصی او را حفظ کند برای این است که رابطه باشد بین آن ایل و مرکز حکومت پس برای این مقصود است که بخود او واگذار میکنند که خودش وکیل انتخاب کند البته خودش بهتر بصیرت دارد و خود او نگاه خواهد کرد و بهترین مردمی را که برای خودش صلاح میدانند انتخاب خواهد کرد اهم از این که از خود ایل باشد باز خارج و البته این طبیعی است و کلیتاً ایلات در صدی ۹۹ از خودشان انتخاب خواهند کرد در صورتیکه میدانیم فلسفه انتخابات این است که در انتخابات آزاد باشد و در صورتیکه میدانیم از صدی ۹۹ از خودشان انتخاب خواهند کرد هیچ معقول نیست که ما اینجا مقید کنیم و آن فلسفه انتخابات را از بین ببریم و بگوئیم صبح نیست از غیر ایل باشد **رئیس -** (آقای مخبر کمیسیون) این اصلاح را قبول دارد .

ذکاءالملک - خیر بنده نمیتوانم از طرف کمیسیون قبول کنم .

رئیس - رأی میگیریم در قبال توجه بودن اصلاح آقای حاج سید ابراهیم آقاآیانبکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نکردند)

رئیس - قابل توجه نشد .

(مجدداً پیشنهاد آقای آقامیرزا مرتضی قلیخان قرائت گردید)

ذکاءالملک - این را قبول میکنم بشرط این که يك کلمه زیادتیر شود و سایر ایلات که اسم برده نشده اند

میرزا مرتضی قلیخان - بنده هم قبول دارم اضافه شود .

رئیس - اصلاح میشود (ماده ۱۶ بضمیمه اصلاح پیشنهادی آقا میرزا مرتضی قلیخان اضافه آقای مخبر مجدداً باین ترتیب قرائت میشود)

ماده ۱۶ - ایلات عمده موافق حوزه بندی انتخابات هر کدام که نماینده مستقیماً بصورت مجلس شورای ملی میفرستند و سایر ایلاتیکه اسم برده نشده اند در جزو هر حوزه که هستند رأی خواهند داد . پیشنهادی از طرف آقای آقا شیخ علی شیرازی باین عبارت خوانده شد . در ماده ۱۶ - پیشنهاد میشود که پنج ایل عمده نوشته شود .

آقا شیخ علی شیرازی - مقصود بنده این است که چون قانون است واضح تر نوشته شود بهتر است .

ذکاءالملک - گمان میکنم که عمده معین کردن ضرورت نداشته باشد زیرا در حوزه بندی ها اسامی ایلات معین شد .

رئیس - آقا شیخ علی مسترد می کنند یا رأی میگیریم .

آقا شیخ علی - مسترد میکنم .

رئیس - رأی میگیریم بماده ۱۶ بهمان

ترتیبی که قرائت شد آقاآیانبکه تصویب میکنند نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۷ خوانده می شود (بمبارت ذیل خوانده شد)

ماده ۱۷ - در يك حوزه انتخابیه که چندین نقطه آن در انتخابات شرکت دارند هر گاه در مدت معین بعضی از آن نقاط انتخاب خود را بعمل نیاورند حق انتخاب آن ها ساقط میشود و انتخابات سایر نقاط آن حوزه معتبر است .

ذکاءالملک - اینجا اضافه شود در مدتی که انجمن نظارت مرکزی معین میکند بهتر است مجدداً ماده بااصلاح خوانده شد .

بجهت - بمبارت آخر این ماده يك جمله اصلاحی لازم دارد که باید نوشته شود حق انتخاب آنها ساقط میشود این عبارت صحیح نیست باید قید کرد حق انتخاب آنها در آن انتخابات ساقط میشود چون ممکن است مجدداً يك انتخاب بشود و نباید حق انتخاب آنها در آن انتخابات مجدد ساقط و اگر بطور مطلق نوشته شود همچو فهمیده میشود که حق انتخاب آنها در انتخابات دیگری هم ساقط است و این صحیح است .

حاج عز الممالک - مخالفت بنده همان بود که آقای مخبر اصلاح کردند دیگر عرضی ندارم

مهرزادالملک - حالاً که این کلمه اضافه شد و آقای مخبر هم اصلاح کردند که در مدتی که انجمن نظارت مرکزی معین میکند چون مدتی که نوشته شده است که انجمن نظارت مرکزی معین میکند تصور میشود که هر مدتی بخواید حق دارد معین کند و این را در ماده بیستم نوشته است خوب است اینجا اضافه شود مطابق ماده ۲۰ انجمن نظارت مرکزی حق دارد معین کند بجهت اینکه اگر این اضافه نشود در بعضی ایلات تصور میکنند که انجمن نظارت خودش اختیار خودش معین میکند ولو يك کلمه هم باشد در صورتیکه انتخابات باید سرعت بشود دیگر مدت لازم ندارد

ذکاءالملک - چیزی که در ماده ۲۰ هست گمان نمیکنم تمام اختیارات انجمن نظارت را معین کرده باشد بجهت اینکه در ماده بیستم نوشته است انجمن نظارت اعلانی مرتب نموده به تناسب اهمیت محل از پنج روز الی يك ماه قبل از موعده انتخاب اسامی میدهد اینجا فقط انجمن مرکزی اعلانی میکند چند روز قبل از انتخاب را در انتخاب هم چند روز مدت لازم دارد مگر اینکه اضافه کنیم و مواد دیگر را هم ملاحظه میکنیم و بطور اجمال بنویسیم در مدتی که انجمن نظارت مرکزی در حدود معینه همین قانون معین میکنند .

رئیس - مذاکرات در ماده ۱۷ کافی است ؟ (گفتند کافیت) - (ماده بااصلاح بمبارت ذیل خوانده شد)

ماده ۱۷ - در يك حوزه انتخابیه که چندین نقطه آن در انتخابات شرکت دارند هر گاه در مدتی که انجمن نظارت مرکزی در حدود معینه همین قانون معین میکند بعضی از آن نقاط انتخابات خود را بعمل نیاورند حق انتخاب آنها ساقط میشود و انتخابات سایر نقاط آن حوزه معتبر است .

رئیس - رأی میگیریم بماده ۱۷ بهمان

ترتیبی که خوانده شد آقاآیانبکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۸ بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۸ - هر يك از انتخاب کنندگان زیاده بریکمرتبه حق رأی دادن ندارند مگر در صورتی که تجدید انتخاب لازم شود .

رئیس - در ماده ۱۸ مخالفی نیست (مخالفی نبود)

رئیس - رأی میگیریم بماده ۱۸ آقاآیانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس - تصویب شد ماده ۱۹ بمبارت ذیل خوانده شد)

ماده ۱۹ - انتخاب کنندگان مجبور نیستند نماینده خود را از ساکنین محل خود انتخاب کنند

حاج آقا - بنده گمان میکنم که این ماده بکلی زیاد و لغو است بواسطه آنکه در چند ماده قبل گفتیم که باید انتخابات شوندگان یعنی منتخبین معروفیت محلی داشته باشند همین قدر شرطی که کردیم در واقع این شرایط انتخابات شوندگان است این را دیگر لازم نبود که مقید کنیم و بکلمه مخصوصی قرار بدیم اینجا هم ذکر شده است که فقط شرطش اینست که از معروفیت محل باشد بعد از آنکه آن شرط را کردیم این ماده دیگر لغو است و تصور میکنم این کلمه حذف کنند .

ذکاءالملک - آقای حاج آقا در واقع بااصل مطلب مخالف نیستند ولی ذکر او را زیاد میدانند کمیسیون هم اعتقادش این بوده است که اگر ذکر شود بهتر است برای اینکه اذهان مردم مسوق باشد که اگر بخواهند کسی را از خارج محل انتخاب بکنند میتوانند .

حاج آقا - بله رئیس از اینکه مخبر محترم تصدیق فرمودند که این يك توضیحی است از آن ماده و آن ماده کافی بود از این معنی بنده تصور میکنم که در اینجا همانطور که نظر دارند ملتفت میشوند و ذکر این ماده يك خرابی و اشکالی برای انتخابات فراهم میآورند یعنی وقتیکه ما اینجا نوشتیم که مجبور نیستند نماینده خود را از ساکنین محل خود انتخاب نمایند این بهانه میشود بجهت اینکه کسانی که در جاهای دیگر بترتیب دیگر میخواهند انتخابات را بعمل بیاورند و حقوق همه پایمال میشود و بنده تقاضا میکنم که همان چیزیکه نوشته شده است به طبیعت مردم واگذار شود و همانطور مردم استفاده کنند و بهمان قدر کفالت کنید .

رئیس - گویا مذاکرات در ماده ۱۹ کافی باشد (گفتند بله کافی است)

رئیس - رأی میگیریم آقاآیانبکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس - تصویب شد ماده ۲۰ (ماده ۲۰ بدین عبارت خوانده شد)

فصل ششم - کیفیت دادن تعرفه برای تشخیص انتخاب کنندگان .

ماده ۲۰ - انجمن نظارت اعلانی مرتب نموده بمناسبت اهمیت محل از پنج روز الی يكماه قبل از موعده انتخاب اسامی میدهد .

حاج وکیل الرعایا - حد اقل و حداکثری قرار داده است حد اکثرش را برای ملک کافی میدانم اما حد اقلش را بهمان جهت که آنرا کافی میدانم اینرا هم کم میدانم پنج روز حداقل خیلی کم است بنویسند از ۱۵ روز الی يكماه بهتر است .

ذکاءالملک - باید متذکر باشند که فقط اعلان انتخابات است یعنی مدتی که مردم باید ملتفت شوند که در فلان روز در حوزه انتخابیه بناید رفت و این بمناسبت هر جائی فرق دارد حالا اگر حوزه انتخابیه کوچک باشد مثل اینکه يك شهر باشد یا چند بلوک مختصر باشد پنج روز کافی است بجهت اینکه مردم دو مدت پنج روز مطلع خواهند شد اما اگر يك حوزه انتخابیه بزرگی باشد که حوزههای متعدده و شهرها و قصبههای متعدد دارا باشند باید مدت زیادتری داشته باشد لازم است که مردم مطلع شوند از وقوع انتخابات در يك مدت معینی اینکه نوشته ایم از هر روز الی يكماه بمناسبت این است که برای هر محلی يك مدتی معین شود .

محمد هاشم میرزا - اعلان انتخابات که در فلان روز تعرفه خواهند گرفت پایتیکه فلان روز انجمن نظارت در فلان نقطه برای دادن تعرفه حاضر خواهند بود پنج روز خیلی کم است بجهت اینکه غالب جاهها که انتخاب جمعی است و باید بیانند در شهرها رأی بدهند ۵ روز خیلی کم است در نظامنامه سابق هم نوشته بود دو هفته قبل از موقع انتخابات باید اعلان بدهند حالا اقل باید دو هفته تا يك ماه باشد بجهت اینکه در مدت ۵ روز تا بخواهند خودشان را حاضر کنند این مدت سر آمده و از انتخابات محروم می شوند .

حاج آقا - بنده فقط مخالفتم باین است که این ماده بماده ۲۱ يك ماده بشود بجهت اینکه اگر بخواهیم دو ماده قانونی بگیریم باید دو مطلب منفصل از هم باشند و ماده بیستم بعینه همان ماده ۲۱ است بنده تقاضا میکنم که این ماده بیستم و یکم یکی بشود و آن شرایط هم خوانده شود آنوقت يك دفعه رأی بگیرند .

ذکاءالملک - چون مربوط بهم است اگر هم بخواهند اینطور بکنند ضرری ندارد .

رئیس - اگر مخالفی نیست هر دو ماده را يك ماده قرار بدیم (مخالفی نبود)

(ماده ۲۱ نیز بمبارت ذیل خوانده شد)

ماده ۲۱ - اعلان مزبور مطالب ذیل را دارا خواهد بود .

۱- شرایط انتخاب کنندگان و انتخابات شوندگان

۲- محل و اوقات را که انجمن نظارت یا شعب آن ورقه تعرفه خواهند داد ۳- مکان و زمانیکه انجمن نظارت برای اخذ رأی حاضر خواهد بود ۴- عمده نمایندگان که صاحبان تعرفه باید منتخب نمایند .

رئیس - رأی میگیریم بماده ۲۰ و ۲۱ که حالا بیستم شده است همین ترتیبی که قرائت شد آقاآیانی که تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده ۲۲ ۲۱ میشود (ماده ۲۱ بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲۱ - اشخاصیکه شرایط انتخاب کردن را دارا هستند اگر در ظرف مدتی که انجمن نظارت بجهت گرفتن تعرفه معین نموده است تعرفه نگیرند در آن انتخابات حق ایشان ساقط است .

رئیس - مخالفی هست

محمد هاشم میرزا - همان ایرادیکه در آنجا عرض کردم در اینجا هم وارد است بجهت این که ممکن است در آن وقت حاضر شود و تعرفه نگیرد

بهترین است که انجمن نظارت جزء هم این حق را داشته باشد و اینکار را خواهند کرد .

رئیس - مقصود انجمن نظارت مرکزی است .

ذکاءالملک - خیر انجمن نظارت جزء هم اختیار خواهد داشت .

حاج سید ابراهیم - عمده آن نمایندگان که باید منتخب شوند باید در اینجا معین شود .

ذکاءالملک - عمده نمایندگان را که فرمودید در شرط چهارم است .

رئیس - در شرط اول دیگر مخالفی هست (اظهاری نشد)

رئیس - در شرط دوم مخالفی هست (مخالفی نبود)

رئیس - در شرط سیم مخالفی هست (کسی مخالفت نکرد) در شرط چهارم نیز کسی مخالفت نکرد (پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا برقرار ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود عوض ۵ روز دو هفته نوشته شود .

ذکاءالملک - دو هفته بنظر بنده زیاد است در قانون سابق هم که فرمودید دو هفته نوشته است از ۵ روز الی دو هفته نوشته است ما اینجا از ۵ روز الی يكماه نوشته ایم ولی حالا اگر در روز پیشنهاد می کنند بنده هم قبول میکنم تا این دو هفته زیاد است .

محمد هاشم میرزا - اگر ده روز را آقای مخبر قبول فرمودند بنده قبول میکنم و پیشنهاد دو هفته بودن را پس بگیرم .

رئیس - ماده ۲۰ و ۲۱ بااصلاحی که آقای مخبر قبول نمودند خوانده میشود و بعد رأی گرفته میشود (بااصلاح بدین تفصیل خوانده شد)

ماده ۲۰ - انجمن نظارت اعلانی مرتب نموده بمناسبت اهمیت محل از ۱۰ روز الی يك ماه قبل از موعده انتخاب اسامی میدهد اعلان مزبور مطالب ذیل را دارا خواهد بود .

۱ - شرایط انتخاب کنندگان و انتخابات شوندگان ۲- محل و اوقاتی را که انجمن نظارت یا شعب آن ورقه تعرفه خواهند داد ۳- مکان و زمانی که انجمن نظارت مرکزی و انجمن جزء برای اخذ رأی حاضر خواهد بود ۴- عمده نمایندگان که صاحبان تعرفه باید منتخب نمایند .

رئیس - رأی میگیریم بماده ۲۰ و ۲۱ که حالا بیستم شده است همین ترتیبی که قرائت شد آقاآیانی که تصویب می کنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - ماده ۲۲ ۲۱ میشود (ماده ۲۱ بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲۱ - اشخاصیکه شرایط انتخاب کردن را دارا هستند اگر در ظرف مدتی که انجمن نظارت بجهت گرفتن تعرفه معین نموده است تعرفه نگیرند در آن انتخابات حق ایشان ساقط است .

رئیس - مخالفی هست

محمد هاشم میرزا - همان ایرادیکه در آنجا عرض کردم در اینجا هم وارد است بجهت این که ممکن است در آن وقت حاضر شود و تعرفه نگیرد

و انتخابات بعمل باید مجدداً محتاج به تجدید انتخاب بشوند از این عبارت فهمیده میشود که در مرتبه ثانی که تجدید انتخاب میشود چون در مرتبه اولی این شخص تعرفه نگرفته است کلاً حق انتخاب از او ساقط است در صورتیکه مراد این طور نیست مقصود این است که در همان مرتبه حق انتخاب از او ساقط است نه این که در آن دوره انتخابیه کلاً حق انتخاب از او ساقط است .

ذکاءالملک - گمان میکنم این عبارت مرعیج باشد در اینکه در همان مرتبه اگر تجدید انتخاب لازم شد آن يك انتخاب دیگری است

رئیس - رأی میگیریم بماده ۲۱ بطوریکه خوانده شد آقاآیانبکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۲۲ خوانده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲۲ - تعرفه که بانقلاب کنندگان داده میشود محتوی فقرات ذیل خواهد بود .

۱ - نمره و تاریخ ۲ - اسم دارنده تعرفه و اسم پدر او و شغل و منزل او

۳ - زمان و مکانیکه دارنده تعرفه باید حاضر شده رأی خود را بدهد .

۴ - ساعت افتتاح و اختتام مجلس انتخاب .

۵ - مهر یا امضای اعضای انجمن نظارت

رئیس - در شرط اول ماده ۲۲ مخالفی هست (گفتند خیر)

رئیس - در شرط دوم مخالفی هست (اظهاری نشد) در شرط سوم مخالفی هست (ابضاً اظهاری نشد) در شرط چهارم مخالفی هست (ابضاً اظهاری نشد) در شرط پنجم مخالفی هست .

حاج وکیل الرعایا - بنده مخالفم گمان میکنم که این مهر را خوب است از این جا برداریم و همان اکتفا کنیم بامضای فقط که بعد از این امضاء در همه جا معمول شود چنانچه تجربه بمائشان داده است که بقدریکه امضاء معتبر است مهر آقدر معتبر نیست و نمی تواند در اعتبار شرکت با امضاء داشته باشد .

ذکاءالملک - گمان میکنم محض احتیاط مهر هم باشد بهتر است .

حاج شیخعلی خراسانی - مقصود از این مهری که اینجا نوشته شده است مهری است که باسم انجمن نظارت حکم بشود یا مقصود مهر هر يك از اعضای انجمن نظارت است خوب است توضیح بفرمایند چون گمان میکنم مقصود مهر تمام امضاء است خوب است بنویسند مهر تمام امضاء چون در نظامنامه سابق همینطور نوشته شده بود و هر انجمنی يك مهر کنده بودند باسم انجمن .

ذکاءالملک - اگر انجمن نظارت اشتباه کند تقصیر با او است و لکن عبارت صحیح است مینویسد مهر یا امضاء امضاء علاوه انجمنی که یکی دو هفته متمسک است و پس منحل میشود مهر لازم ندارد .

رئیس - گویا مذاکرات کافی است رأی میگیریم بماده بیست و دوم آقاآیانبکه ماده بیست و دوم را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۲۳ خوانده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد.)

ماده ۲۳ - انجمن نظارت یا شعب آن تمام تفرقه هائی را که میدهد بترتیب نمره در کتابچه مخصوصی ثبت میکند.

رئیس - در ماده بیست و سوم مخالفی هست (گفتند خیر.)

رئیس - رأی میگیریم آقایانیکه ماده ۲۴ را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند.)

رئیس - تصویب شد ماده ۲۶ خوانده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) فصل هفتم .

دراخذ و اخراج آراء و تعیین انتخاب شدگان ماده ۲۴ - بناسمیت اهمیت محل امتیاز را از يك الی پنج روز خواهد بود تعیین انجمن نظارت و پس از انقضای موعدها انجمن نظارت برای اخذ رأی تعیین میکند دیگر ورقة رأی از کسی قبول نخواهد شد. **رئیس** - مخالفی هست.

عزالممالک - اینجا هر روز را برای حد اکثر بنده کم میدانم پیشنهادی هم میکنم اگرچه اعتقاد دارم روز بود ولی يك هفته اکتفا می کنیم و پیشنهاد میکنم.

حاج قاسم رضاخان - بله فقط همین را

میخواستم عرض کنم که آقای حاج عزالممالک اظهار کردند و فلسفه اینکه اقلاً يك هفته باید باشد این است که در ضمن این چند روز يك روز تعطیل عمومی حتماً باید واقع شود که در آن روز مردم بتوانند بیایند رأی بدهند برای اینکه شاید بعضی از مردم باشند که کارشان را مقدم بر رأی دادن بدانند اما وقتی که يك روز تعطیل داشته در روز تعطیل بیایند رأی میدهند در صورتیکه مدت را پنج روز قرار دادیم ممکن است تمام آن روز ایاه غیر تعطیل باشد اما وقتی که مدت را يك هفته قرار دادیم حتماً يك روز تعطیل در این ضمن هست و همه مردم میتوانند بیایند رأی خودشان را بدهند.

حاج وکیل الرعایا - بله در آنجا که عرض شد

روز کم است برای این بود که شروع بشود مردم متوجه نبودند بتکلیف خودشان ولی حالا گمان میکنم که تمام مردم متوجه حق خودشان شده اند و تمام اذهان متوجه با مر انتخابات است در اینصورت گمان میکنم روز کافی است و کسی هم که تفرقه گرفته يك دادن رأی برای آن چندان اشکال ندارد که منتظر يك روز تعطیلی شود.

ذکاءالملک - در همه جا چنانچه میدانم در یکروز آراء خودشان را خواهند داد در اینجا برای اینکه لوازم حرکت یعنی سر حرکت حاضر نیست هنوز و بیلاظه بعد امکان است مجلسان دور باشد یا با ملاحظاتی دیگر روز قرار دادیم و روز منتهای وقتی است که مقرر میشود و نمیشود يك انجمنی را معطل کرد و بیش از این معطل کردن يك انجمنی را و معطل کردن يك امر بزرگی را صلاح نیست و بدیهی است هر قدر هم با ملاحظاتی و ملاحظاتی دیگرى داشته باشند بمل بیاید.

حاج آقا - من تعجب میکنم در آن ماده که اعلان انتخاب شده است آقایان اظهار کردند که

مدت کم است یا اینکه اگر مراجع بکنیم بترتیبیکه حاله از وضع مردم درست است می بینم که اعلان که بکنید اگر مدتش کم باشد بهتر است بجهت این که مردم فوراً مطلع میشوند و در نظر مردم هست ولى اگر مدت طولانی باشد فراموش میکنند با این که همه تجربه کرده ایم با این ایامیکه در نظامنامه انتخابات معین شده بوده که کسی که می آید تفرقه میگیرند برای اینکه مجدداً بیایند رأی خودشان را بدهند حاضر نمیشوند بعضی بواسطه اشتغال بکسب بعضی دوری محل خودشان از محل دادن رأی و غیره دادن رأی نیامدند رأی خودشان را بدهند و حال آنکه ملت هم هستند آقایان که کلیه تفرقه را هم مردم چقدر کم میگیرند و آن وقت همان عده قبلی که تفرقه میگیرند دیده نشده که بسمان اندازه درجائی آمده باشند رأی داده باشند حال امتداد دادن رأی را يك مقداری ممتد نمیکند که اعلان مقداری که تفرقه گرفته اند آنها بیایند رأی خودشان را بدهند بنده باین نقطه نظر پیشنهاد کردم که مدت برای اخذ آراء ده روز باشد گمان میکنم بواسطه عدم وسائل حرکت و دوری نقاط و اینکه از یکدیگر آن مقداری هم که تفرقه گرفته اند بیایند رأی خودشان را بدهند.

رئیس - مذاکرات در این ماده کافی است چند قریه اصلاح از طرف آقای حاج آقا و حاج شیخ اسدالله راجع به روز و از طرف حاج عزالممالک راجع بيك هفته خوانده میشود

(اصلاح حاج شیخ اسدالله بمبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۲۴ از يك الی ده روز نوشته شود

(اصلاح حاج عزالممالک بمبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد می کنم که حد اکثر راده روز قرار بدهند.

(اصلاح حاج عزالممالک بمبارت ذیل خوانده شد) اخذ رأی از يك الی هفت روز خواهد بود تعیین انجمن نظارت و پس از انقضای موعدها انجمن نظارت برای اخذ رأی معین میکنند دیگر ورقة رأی از کسی قبول نخواهد شد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله توضیحی دارید در پیشنهاد خودتان بدهید

حاج شیخ اسدالله - بنده عقیده ام این است که هر چه ما سعی میکنیم و بتوانیم که اخذ رأی بیشتر بکنیم اگر چه وسعت بدهیم در ايام اخذ رأی خیلی بهتر است که تعین حقوق هیچکس نشود و این مطلبی است که هیچ جابر نمیشود يك وسعتی برای گرفتن قرار بدهیم که روز باشد و این گمان میکنم مذاکره هم نداشته باشد ما بقی هم تصور نمیکنم داشته باشد این يك فرجه ای است و يك وسعتی است بجهت اینکه اگر ملاحظه فرمایند در يك روز گرفتن بانصد رأی با ترتیبات معینه به آن مشکلی که مقرر است که اسم او را پیدا کنند در کتابچه و اسم او را محو بکنند و رأی را از او بگیرند در يك روز نمیشود بیش از پانصد رأی را از مردم گرفت حالا بکنید در يك بلادی اگر سه هزار یا چهار هزار باشد بدهند اصلاً در روز ممکن نیست که تمام آراء را بگیرند حالا نگاه نکنید در طهران بعضی

شهر های معتبر که شمیت معین می کنند ولى فرضاً در کاشان که بنده می دانم اقلاً بیست هزار جمعیت دارد و اینچنین نظر در آنجا تشکیل میشود به بیند این يك انجمن نظارت در پنج روز چقدر میتواند تفرقه بگیرد در صورتیکه فرضاً چهار هزار نفر تفرقه گرفته باشند و بخواهند رأی بدهند دیگر بیش از روزی ۵۰۰ رأی نمیتوانند بدهند و آنها هم بیش از ۵۰۰ رأی نمیتوانند بگیرند در اینصورت هشت روز مدت لازم دارد از برای گرفتن چهار هزار رأی این يك مطلبی است واضح اشکالی هم ندارد قابل بیش از این مذاکره هم نیست

رئیس - آقای حاج آقا توضیحی در پیشنهاد خودتان دارید بفرمائید.

حاج آقا - بنده قبل از آنکه مخالفت خودم را اظهار کنم آقایانیکه اعضاء کسبیون هستند نظریات خودشان را بفرمایند بعد بنده مخالفت خودم و نظریات خودم را عرض خواهم کرد.

رئیس - شما مخالفت خودتان را بفرمائید و استدلالتان را بیان کنید.

ذکاءالملک - همانطوری که مذاکره شد در همه جا رسم است انتخابات یکروزه باید تمام شود حالا اینجا برای اینکه وسائل حمل و نقل کم است و حال مردم يك طوری است که نمیشود مقدم بکنیم بيك روز باین جهت در نظامنامه سابق سه روز معین کرده بود و ما پنج روز قرار دادیم و این را باید ملتفت بود که بعضی از آقایان که فرمودند مدت اعلان را چرا زیاد قرار داده اند و حال آنکه مردم زود مطلع میشوند و مدت رأی گرفتن را کم قرار دادیم برای این بود که تفرقه گرفتن وقت لازم دارد برای اینکه مردم بیایند تفرقه بگیرند قدری طول مدت لازم است ولى رأی دادن دودقیقه بیشتر وقت لازم ندارد و کسانیکه تفرقه گرفته اند معلوم است نسبت این تفرقه گرفته اند که بیایند رأی بدهند حالا اگر همت دارند بیایند و رأی بدهند این پنج روز کافی خواهد بود اگر همت ندارند و نیایند رأی بدهند این تعصیب مانیست از خودشان است و نباید مدت انتخابات را بی اندازه زیاد کرد

سابقاً هم عرض کردم انتخابات در مملکت يك انقلاب بزرگی است هر چه مدت این انقلاب را کمتر بکنند بهتر است علی الخصوص که در زمان انتخاب هم مردم نتوانند مدت زیادی داشته باشند که بعضی دستها بدهند و بعضی اسباب چینی ها و بعضی ترتیبات که شاید مطلوب نباشد بنمایند باین ملاحظاتی بنده گمان میکنم که همان پنج روز کافی است.

رئیس - رأی میگیریم در پیشنهاد هائی که راجع بدت است آقای آقا شیخ علی شیرازی راجع بعد اقل پیشنهاد کرده اند که حد اقل پنج روز و حد اکثر ده روز باشد توضیحی اگر دارید بفرمائید

آقا شیخ علی شیرازی - گاهی میشود که يك کسی تفرقه گرفته است لکن کار دارد که نمیتواند بیاید رأی خودش را بدهد در اینصورت این حد اقل برای او خیلی کم است.

رئیس - کسبیون قبول دارد.

ذکاءالملک - رأی بگیریم.

رئیس - رأی میگیریم بسمت اول پیشنهاد

آقای آقا شیخ علی که حد اقل پنج روز است آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (کسی قیام نکرد) **رئیس** - تصویب شد حالا رأی میگیریم در حد اکثر دو پیشنهاد است بيكی هفت روز بيكی ده روز است اول رأی میگیریم در پیشنهاد حاج عزالممالک که حد اکثر هفت روز پیشنهاد کرده اند آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (چند نفر قیام کردند) **رئیس** - قابل توجه نشد پیشنهاد حاج شیخ اسدالله خوانده میشود (با این عبارت خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که مدت دادن تفرقه هم در ماده ۲۴ نوشته شود که مدت دادن تفرقه هم از يك الی ده روز خواهد بود

حاج شیخ اسدالله - چون زمان دادن تفرقه را معین نکرده است و حد اکثر و اقلش را مسکوت عنه گذارده است بنده این پیشنهاد را کردم باین بنده پیشنهاد میکنم که از يك الی ده روز باشد.

رئیس - مخیر چه میفرمائید

ذکاءالملک - اینجا جای تفرقه نیست بجهت اینکه در ماده بیست ذکر شد.

رئیس - حالا شما اصلاح خودتان را مسترد میکنید یا رأی میگیریم.

حاج شیخ اسدالله - مسترد میکنم.

رئیس - رأی میگیریم بهین ماده ۲۴ بطریقیکه خوانده شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند.)

رئیس - تصویب شد ماده ۲۵ خوانده میشود (بمبارت ذیل خوانده شد)

۲۵ - دادن رأی باید مخفی باشد و باین جهت دارنده تفرقه قبل از ورود بمجلس انتخاب اسم يك یا چند نفر منتخبین خود را مطابق عده که اعلان شده است روی کاغذ سفیدی نشان نوشته پیچیده با خود داشته باشد.

رئیس - مخالفی هست.

بهجت - این بعضی تقیدات دارد که بنده هیچ قبول ندارم اینکه اسم نماینده را بنویسد در کاغذ سفید و لوله میکند هیچ مانعی ندارد از اینکه همانجا که آمد اینکار را بکنند این فیه هیچ صحیح نیست لهذا بنده این قید را پیچیده و وجه لازم نمی دانم.

ذکاءالملک - قبل از وقت هیچ مانع از این نیست که او در محل انتخاب بیاید این کار را بکنند.

حاج شیخ علی خراسانی - خوب است اینطور نوشته شود که تا بکنند بجهت این که ممکن است وقتی که خواست لوله بکند دورق بنویسد و لوله کرده بدهد.

ذکاءالملک - گمان میکنم همین لفظ ماده خوبی خوب لفظی باشد به علاوه در صورتی که هم تا بکنند باز جلوگیری از آن نظر آقای حاج شیخ علی نخواهد شد بواسطه اینکه ممکن است آن شخص دورق را تا بکنند مرتبه بدهد انجمن نظارت که نگاه نخواهد کرد یعنی باز نخواهد کرد چون رأی مخفی است

بطرفی که خوانده شد آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده ۲۶ خوانده میشود (بمبارت ذیل خوانده شد)

ماده ۲۶ - پس از حضور اعضاء انجمن نظارت و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی که اعلان شده قبل از شروع بگرفتن اوراق رأی رئیس انجمن نظارت جعبه را که برای ضبط اوراق رأی معین شده است در حضور اعضاء انجمن و حاضرین از انتخاب کنندگان باز نموده خالی بودن آن را می نمایاند آنگاه در حضور جمع درب جعبه مختوم شده اوراق رأی از شکافیکه فوق جعبه است انداخته می شود.

رئیس - مخالفی نیست با این ماده (اظهاری نشد) آقایانیکه تصویب میکنند این ماده را قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۲۷ خوانده میشود (بمبارت ذیل خوانده شد)

ماده ۲۷ - هر يك از دارندگان ورقة تفرقه پس از ورود بمجلس انتخاب در کمال آرامی تفرقه ورقة رأی خود را بيكی از اعضاء که برای اینکار معین شده است میدهد.

رئیس - مخالفی هست.

حاج سید ابراهیم - بیشتر اینطور بود که در انجمن که وارد میشدند تفرقه را بيك نفر میدادند که باطل کند و ورقة رأی را بيكی میدادند که در جعبه میانداختند حالا اینجا نوشته است که هر دو را بيك نفر بدهند.

ذکاءالملک - تفاوتی نمیکند این که نوشته است بيكی از اعضاء عده دو نفر را نبرساند

حاج شیخ الرئیس - برای اینکه بنده هم عرضی کرده باشم بنظر بنده این کلمه در کمال آرامی در این جا فایده چندانی ندارد بجهت اینکه شرط برای این است که اگر مقصود بشود آن عمل باطل نشود این مسئله در کمال آرامی يك چیزی است که راجع بپیداد و اخلاق است حالا اگر آرامی نکرده اندی کرد انتخابات باطل خواهد بود.

حاج وکیل الرعایا - بنده کمال آرامی را چنانچه آنجا هست عقیده دارم که باید باشد و نادم سال بعد هم اقلاً این قید را در نظامنامه باید نوشت و لازم است.

آقا میرزا ابراهیم خان - چون ماده ۲۷ و ۲۸ هر دو مربوط بگرفتن تفرقه است اگر آقایان موافق بفرمایند که هر دو يك ماده بشود بهتر است

ذکاءالملک - ضرری ندارد

رئیس - ماده ۲۸ قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲۸ - گیرنده تفرقه نمره تفرقه را به صوت بلند میگوید تا منشی انجمن نمره را در کتابچه ثبت تفرقه پیدا کرده نشان کند پس از نشان کردن نمره گیرنده تفرقه آن را باطل نموده بصاحبش رد مینماید و ورقة رأی او را بدون نگاه کردن در جعبه انتخابات پاندازد صاحبان تفرقه با احتیاط مواردیکه تجدید انتخابات لازم شود تفرقه باطله خودشان را محفوظ خواهند داشت انتخاب کنندگان پس از دادن

ورقة رأی و پس گرفتن تفرقه باطله در صورت تنگی جا و اخلاص نظم و ترتیب انتخاب بامر رئیس از مجلس انتخاب خارج میشوند.

رئیس - در این ماده مخالفی هست (اظهاری نشد) حالا ماده ۲۷ و ۲۸ یکمرتبه خوانده میشود که ماده ۲۷ میشود (بمبارت ذیل خوانده شد)

ماده ۲۷ - هر يك از دارندگان ورقة تفرقه پس از ورود بمجلس انتخاب در کمال آرامی تفرقه ورقة رأی خود را بيكی از اعضاء که برای این کار معین شده است میدهد گیرنده تفرقه نمره تفرقه را بصوت بلند میگوید تا منشی انجمن نمره را در کتابچه ثبت تفرقه پیدا کرده نشان کند پس از نشان کردن نمره گیرنده تفرقه آن را باطل نموده به صاحبش رد مینماید و ورقة رأی او را بدون نگاه کردن در جعبه انتخابات میاندازد صاحبان تفرقه با احتیاط مواردیکه تجدید انتخابات لازم شود تفرقه باطله خودشان را محفوظ خواهند داشت انتخاب کنندگان پس از دادن ورقة رأی و پس گرفتن باطله در صورت تنگی جا و اخلاص نظم و ترتیب انتخاب بامر رئیس از مجلس انتخاب خارج میشوند

رئیس - آقایانیکه این ماده ۲۷ و ۲۸ را که حالا متضمناً ماده ۲۷ شده است بطوری که قرائت شد تصویب مینمایند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند.)

رئیس - تصویب شد ماده ۲۸ قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲۸ - در محلهائی که انتخاب در يك روز تمام میشود در ختام مجلس آن روز تمام اعضاء با احتیاط لازم جعبه و دفاتر راجع بانخابات را بسته محفوظ گذاشته مهر کرده روز بعد همان اعضاء آن را باز میکنند.

رئیس - مخالفی هست.

ادیب التجار - در دفاتر کنوخته است دفاتر در ضبط انجمن نظار میمانند یا اینکه در ضبط حکام

ذکاءالملک - البته در ضبط انجمن نظار می ماند.

حاج عزالممالک - اینجاده طوری نوشته شده است که چنین فیه بنده میشود اگر مخالف آن واقع شد انتخاب باطل خواهد شد بجهت اینکه می نویسد روز بعد همان اعضاء آن را باز میکنند و در جمله پیش میگویند تمام اعضاء اینطور میفهماند که با حضور تمام اعضاء آن را باز میکنند در صورتیکه ممکن است روز بعد تمام اعضاء نتوانند حاضر شوند آن وقت باین قید اسباب اشکال فراهم میآید خوب است آقای مخبر طوری این ماده را اصلاح نمایند یعنی بنویسند با حضور اعضاء حاضر

ذکاءالملک - در باب اعضاء حاضر حرف نداریم ولی در خصوص همان اعضاء این را باید ملتفت باشیم که اگر آنقدر اجازه بدهیم آنوقت خیلی مسامحه خواهد شد.

رئیس - رأی میگیریم ماده ۲۸ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ۲۹ خوانده میشود (بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۲۹ - بعد از اعلان انجام انتخاب رئیس

بعد از اعلان انجام انتخاب رئیس

انتخاب جبهه انتخاب را در حضور اعضاء و حاضرین از انتخاب کنندگان خالی نموده امر باستخراج آراء می نماید .

رئیس - مخالفی هست .

حاج سید ابراهیم - سابقاً دیدیم که نوشته بود در حضور حکومت بشود اینجا هم لازم است نوشته شود در حضور حکومت .

ذکاءالملک - حکومت نماینده در انجمن دارد دیگر لازم نیست اینجا چنین قیدی بشود .

رئیس - رأی میگیریم بماده ۲۹ آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد .

ماده ۳۰ خواننده میشود (عیسارت ذیل خوانده شد)

ماده ۳۰ - یکی از اعضاء اوراق انتخاب را شمرده عده آنرا با عده رأی دهندگانی که نام نرفته آنها در کتابچه ثبت معرفی نشان شده است تطبیق میکند در صورت زیادتی اوراق رأی بده زائد از کلبه برداشته باطل میشود و نتیجه در صورت مجلس نوشته میشود .

رئیس - مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد)

رئیس - رأی میگیریم بماده ۳۰ بطوریکه خواننده شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده سی و یکم خومه میشود .

(عبارت ذیل خوانده شد)

ماده ۳۱ - اوراق انتخاب را یکی از اعضاء بصوت بلند یا بشبک خواننده بیک نفر دیگر از اعضاء میدهد و سه نفر دیگر از اعضاء اسامی را به ترتیبیکه خوانده میشود میخوانند .

رئیس - مخالفی هست .

حاج وکیل الرعایا - گمان میکنم که سه نفر زیاد است دو نفر باشد بهتر است .

ذکاءالملک - اینکه معین کرده اند سه نفر باشد باین ملاحظه بوده است که اگر دو نفر بودند و اشتباهی واقع شد چه باید بکنند اگر سه نفر شدند آنوقت در صورت وقوع اشتباه اگر دو نفر موافق بودند که بدیهی است آن مقدم است و عمل میشود اگر هر سه مخالف بودند باز یکی را حد وسط قرار میدهند و بآن عمل میشود .

رئیس - رأی میگیریم بماده ۳۱ آقایانیکه تصویب میکنند این ماده را بطوری که خواننده شد قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد یک ربع تنفس است (در این موقع تنفس شد و بعد از تنفس مجدد اینجا دقیقه قبل از غروب مجلس تشکیل وماده ۳۲ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۳۲ - هر گاه در اوراق انتخاب زیاده یا کمتر از عده معینه اسامی نوشته باشند نقضی در امر انتخابات حاصل نخواهد شد در صورت اول آن عده اسامی که زیاد نوشته شده در آخر ورقه خوانده نخواهد شد .

رئیس - در ماده ۳۲ مخالفی هست (اظهاری نشد) آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد .

ماده ۳۳ - از اوراق رأی آنچه سفیدالایقره باشد یا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده را نکند یا اعضاء انتخاب کنند را داشته باشد یا پیش از یک ورق باشد محسوب نخواهد شد ولی مابقیه بصورت مجلس میشود .

حاج آقا - اگر پیش از یک ورق باشد و معین شود که رأی دهنده پیش از یک ورق دو ورق مثلا داده است خوب است که یک ورق را محسوب نشود .

ذکاءالملک - کسیکه پیش از یک ورقه رأی داده باشد البته تقلب کرده است و البته معروم است است خواسته دور رأی بدهد ولی اگر بشمارند خوب است یک ورقه او را قبول کنند آن ورقه که تقلب کرده داده باشد و از عدد رأی دهنده زیاد تر باشد فقط او را بردارند والا تقلب باید بکلی باطل کنند و مرتبه تجدید انتخاب شود در صورتیکه نمیشود همین طور در اینجا باید یک رأی را محسوب بکنند .

حاج وکیل الرعایا - چنانچه مخیر فرمودند بندهم گمان میکنم که چنین شخصی رأی او باید محسوب نباشد و معروم باشد

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد برای میگیریم بماده ۳۳ بهین ترتیبیکه اینجا نوشته است آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام کردند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد .

ماده ۳۴ - بلافاصله بعد از شماره واستخراج آراء رئیس نتیجه را بصوت بلند اعلام مینماید اوراق انتخاب را تا موقع انقاع انجمن نظارت محفوظ میدارند و در آن هنگام در معرض حکومت و حضور جمعی از اوجوه محل اوراق مذکور را مدموم میکنند باستثنای آن ها که در مواد قبل ذکر شده و باید ضمیمه صورت مجلس بشود .

رئیس - در ماده ۴۴ مخالفی هست (مخالفی نبود) رأی میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد

ماده ۳۵ - در حوزه انتخابیه انجمن نظارت جزء صورت مجلس انتخابات خودشان را با مضافی اعضاء انجمن نظارت رسانیده بانجمن نظارت مرکزی حوزه انتخابیه میفرستند تا در آن جا با ملاحظه صورت مجلس های انتخابات و کلبه نقاط مشترک آن حوزه تشخیص نمایند منتخب حوزه را بنمایند .

رئیس - مخالفی نیست .

میرزا مرتضی اقلی خان - این ماده باماده بعد هر دو مربوط بهم است و مطلب هم یکی است بقیه بنده این دو ماده یکی نشود بهتر است

ذکاءالملک مخیر - این دو ماده اگر چه راجع بیک مطلب است ولی قدری متفاوت است و ضرر ندارد دو ماده باشد حالا دیگر مختارند .

رئیس - رأی میگیریم بماده ۳۵ آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با اکثریت تصویب شد

ماده ۳۶ - هر گاه بعضی از انجمن های نظارت نقاط جزء صورت مجلس انتخابات خود را در آمدن تیکه انجمن مرکزی برای آن ها معین کرده بانجمن مزبور نفرستادند حق انتخاب از آن نقاط ساقط است

بهجت - خلاصه انتخابات حوزه های جزء بدوجهت ممکن است بر کز نیاید یکریک انتخاباتی بعمل نیامده باشد یکی آنکه بعمل آمده باشد و از طرف انجمن قصور شده باشد گویا مقصود قسم ثانی باشد بجهت اینکه قسم اول را ذکر کردیم اگر مقصود ثانی است شاید انجمن نظارت دلش نخواهد یک نقطه را خیر کند یا ترتیب دیگر بخواند جماعتی را بی حق بکنند در این صورت باید حکومت ملزم بکند آنها را و خلاصه انتخابات آن حوزه را از آنها بگیرد زیرا اهالی حاضر شده و رأیشان را داده اند و در هیئت نظار هم خلاصه شده چرا رأی آنها ساقط بشود جهت ندارد حکومت محل باید جبراً از آنها بگیرد .

ذکاءالملک - انجمن نظارت آنطوریکه پیش رأی داده شده است بعضی از اجزاء و حاکم در آنجا نظارت خواهد داشت گمان نمیکنم واقع بشود و اگر فرض کنیم واقع میشود و اهتمامی که باید حاکم بکنند کرده است چاره اومسکن است و باید دولت از او مؤاخذنه بکنند .

حاج شیخ اسدالله - اولاً در این نقاط جزء که انجمن نظارت تشکیل میشود خود حاکم در آنجا نیست ولی از طرف خود حکومت در آنجا یک نماینده در جزء انجمن نظار هست اگر فرضاً در فرستادن صورت مجلس مسامحه کرده بواسطه مسامحه او نمیشود تضییع حق جماعت را کرد زیرا آنها تقصیر نکرده اند و حاضر شده اند و در موقع رأی رأی خود را داده اند دیگر چه تقصیری دارند بنده بهیچ وجه نمیتوانم این مطلب را تصدیق کنم شاید که همان نماینده حکومت یا آن انجمن نظار بخواند تقلبی بنماید ولی انجمن مرکزی جداً میتواند صورت مجلس را بخواند و نتیجه آن را جزء آراء انجمن مرکزی بکند و نگذارد انتخاب آن ها از بین برود و حق آنها را نباید ساقط کنند و آنها را محروم نمایند .

ذکاءالملک مخیر - این مسئله مسلم است که این جزء وظیفه حاکم است یک کسیکه حاکم محل است و با او امر میشود انتخابات را انجام بدهد باید انجام بدهد وقتیکه ما بگوئیم و اعلان میکنیم انتخابات را انجام بدهد یعنی تمام اعمال انتخابات را انجام بدهد حالا آمدیم انجام نداد البته دولت از او مؤاخذنه خواهد نمود که چرا بوظیفه خود عمل نکردی اینها از وظایف دولت است حالا بگوئیم حاکم وقت در امر انتخابات بنماید اگر نکرد چه خواهد شد غیر از اینکه باید دولت از او مؤاخذنه بکنند پس در این صورت گمان میکنم این قید در قانون انتخابات لزومی نداشته باشد .

حاج آقا - در شور اول هم این گفتگو شد و بندهم پیشنهاد کردم در این شور هم همین صحبت و گفتگو میشود بنده گمان میکنم این مطلب منطقی نباشد که اهالی یک قصبه آمده باشند برای اینکه اداء وظیفه خودشان را کرده باشند آمده باشند ترفه گرفته باشند رأی داده باشند در مقام اینکه حقوق خود را حفظ کرده باشند بعد چهار پنج

تفرکه معین شدند برای هیئت نظار بعضی خیالات یاب بعضی ملاحظه یاب بعضی مسامحه نخواستند صورت مجلس را بفرستند در این موقع ماباید بگوئیم آن بیچاره هائیکه زحمت کشیده اند برای داده اند انتخاب کرده حقوقشان از بین برود میگویند در قانون شما میبوسد که حاکم او را الزام بکند و صورت را بفرستد باید یک کسی آخر را الزام کند اولاً باید الزام بکنند بحکومت که الزاماً آن صورت مجلس را بخواهند از محل البته آن کسیکه حاکم است موظف با اجرای تأمینات در یک حوزه انتخاب است و البته آن حکومت در یک حوزه از انجمن نظارتش ولو جبراً هم باشد صورت مجلس را بگیرد و بر کز بیارند البته دولت است باید اهتمام کند این بادوات است و این قانونی است که شما میبوسید تعیین وظیفه دولت را کرده اید و باید بوظیفه خود عمل کنید حالا اگر عوائقی اتفاق افتاد که حکومت هم نتواند صورت را بگیرد آن وقت ممکن است مدتی برای آن قرار داد که پس از آن مدت حق آنها ساقط باشد والا برای قصور چند نفری بنده منطقی نمیدانم که حقوق جمعی تضییع شود .

ذکاءالملک مخیر - بنده جدی نمیخواهم بکنم لکن عرض میکنم کسی نمیگوید مردم انتخاب نکنند حقوق آنها باطل شود عرض کردم این وظیفه است از حاکم محل که باید بر دم اطلاع بدهد وقتی مردم انتخابات خودشان را بعمل آوردند و صورت انتخابات را بر کز نرسانند آنوقت دولت از آن شخصیکه مانع او است باید مؤاخذنه بکند اگر شما نوشتید حکومت وقت کند نکرد آن وقت چه باید بشود مگر غیر از این است که دولت باید از او مؤاخذنه بکند نمیشود انتخابات را معوق گذاشت که یک کسی مسامحه کرده است در قانون شما میبوسد که حاکم باید او را الزام بکند که او را بفرستد باید یک کسی آخر او را الزام بکند و از او مؤاخذنه بکند یا خیر و فلان شخصیکه میبایستی این امر را انجام بدهد مسامحه کرد باید رفع این مسامحه بشود یا نه ؟ این را کی رفع میکنند البته دولت باید رفع کند همین قانونیکه شما میبوسید باین شکل تعیین وظیفه دولت را بکنند .

ذکاءالملک مخیر - این مسئله مسلم است نوشتن این قانون دولت باید این را اجرا بدارد معین کرده است که فلان کار را بکند عرض بنده این است که شما یک چیزی را نمیتواند اینجا اضافه کنید که دزدی را دوا کند .

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند (گفته شد کافی است)

رئیس - پیشنهادی از طرف آقا سید حسین ازدیلی شده است خوانده میشود (پیشنهاد آقا سید حسین ازدیلی عبارت ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که در ماده ۳۶ عوس جمله (حق انتخاب از آن نقاط ساقط است) نوشته شود صورت مجلس انتخاب به نظارت هیئت دیگر از معتمدین محل بانجمن مرکزی فرستاده میشود .

آقا سید حسین ازدیلی - در شور اول هم یک پیشنهادی باین مضمون عرض کردم که این عبارت منطقی نیست که حق انتخاب از آنها ساقط است وقتیکه این حق را تمام انجام داده اند حق

انتخابی که داشته اند حتماً بعمل آورده اند حالا بواسطه قصور یک هیئت معین چطور حق انتخاب از یک عده زیادی ساقط است این است که بقیه بنده گمان میکنم اگر انجمن نظارت بوظیفه خود عمل کرده باشد باید بنظارت اشخاص دیگر از معتمدین و موثقین اهل محل صورت انتخابات را بفرستند بر کز و اینکه آقای مخیر میفرمایند که حاکم آنجا هست و خود حکومت باید اقدام بکنند عیناً مثل این است که در یک جائی و یک شهر بزرگی حکومت اعلان انتخاب نکند آن وقت باید هزار ها نفوس از حق انتخاب محروم شوند برای قصور و تقصیر حاکم که احوال کرده است گمان میکنم اگر غیر از این ترتیب باشد ظلم است از برای محلی که مردم حاضر شده اند و انتخاب کرده اند و آن تکلیفی را که داشته اند انجام داده اند آن وقت بواسطه قصور انجمن یا حاکم ناتمام بماند .

رئیس - آقای مخیر چه میگویند .

ذکاءالملک - بنده این را تصدیق نمیکنم بخصوص این عبارت بهیچوجه اصلاً نمیکند این را دیگر بسته برای مجلس شورای ملی است .

رئیس - یک اصلاحی از طرف حاج آقا شده چون مربوط باین است قرائت میشود .

(پیشنهاد حاج آقا عبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۳۶ اینطور نوشته شود هر گاه بعضی از انجمن های نظارت نقاط جزء صورت انتخابات خود را در مدتی که انجمن مرکزی برای آنها معین کرده بانجمن مزبور نفرستادند حکومت مرکزی موظف است که بهر وسیله باشد صورت مجلس انتخابات را بر کز بیارند دیگر اینکه موافقی اتفاق افتاد که حکومت از جلب صورت مجلس بر کز معذور باشد که در آن صورت حق انتخاب از آن نقاط ساقط است .

حاج آقا - بنده اگر چه خیلی متأسفم که مجبور بودم آن جمله ذیل را برش بیفزایم ولی چون اعظم حقوق دیگران از میان میرود و چنانچه آقای مخیر فرمودند فوت میشود لابد باید این جمله افزوده شود و در ابتدای امر اگر انجمن جزء مسامحه کرد در فرستادن صورت باید این را حتماً بوظیفه حکومت قرار بدهیم که بهر وسیله که ممکن است بابت مسامحت معتمدین و موثقین محل با جبراً آن صورت مجلس را جلب میکنند مگر اینکه یک وقتی که یک اتفاق بیفتد که نتواند آن صورت را جلب کند و معذور باشد آن وقت اگر بخواهیم حفظ حقوق جمع قبلی را بکنیم تضییع حقوق جمع کثیری میشود ممکن است بگوئیم حق انتخاب آنها ساقط است اگر چه انصاف نیست که حقوق آنها ساقط باشد ولی اگر آن را همینطور بگذاریم به گمان بنده لابد بیک معذور دیگری مخیر خواهیم شد از این جهت افزون این قدر بنده لازم میدانم اگر آقای مخیر قبول بکنند .

میرزا مرتضی - اینجا دو مطلب است یکی این است که اگر بر فرض انجمن نظارت یکی از نقاط جزء یا حاکم محل از وظیفه خود قصور بکنند چه باید کرد یک مرتبه این است که بخواهیم بهینم تصور او در مسئله انتخابات چه اثری میکند در این پیشنهاد هائی که میشود تمام راجع بقصد اولی است یعنی اگر یک

انجمن نظارتی در فرستادن صورت آراء محل خود مسامحه کرد باید حکومت از آنها مطالبه نماید آن وقت شاید یک نفر دیگر بگوید بتوسط کسیکه آن هلیاتی که ممکن است در انتخاب یک دوره بعمل میآید بعمل بیارند آقایان فراموش کرده اند که انتخابات یک حوزه انتخابیه را نمیشود معوق گذاشت برای یک نقطه از نقاط که صورت مجلس خود را نفرستاده است بانجمن مرکزی خودش هیچ این دلیل نمیشود که این را معوق گذاشت از این جهت در این ماده گفته شده است که اگر تا چند روزی که معین میشود یک انجمن جزئی صورت مجلس انتخابات خودش را نفرستاد حق آنها ساقط است و انتخابات سایرین قبول است ولی از طرف دیگر آن کسانی که صورت انتخاباتشان را حکومت یا انجمن جزء نفرستاده است حق دارند شکایت بکنند از انجمن خودشان و ما هم گفته ایم که اینها میتواند شکایت بکنند بانجمن مرکزی و یک قسم از شکایات است که بانجمن مرکزی یا بمجلس میکنند باین جهت این هیچ دلیل نیست پس این ماده که اینجا نوشته شده است میباید بگوید که آن قصوری که میشود چه مدخلیتی در امر انتخابات خواهد داشت بدیهی است اثرش این است که در این مدتی که انجمن مرکزی کل برای کلبه انجمن های جزء معین کرده است اگر آن حوزه جزء صورت انتخابات خودش را نفرستاده است حق آن نقطه ساقط است و البته نمیشود برای یک نقطه انتخابات سایر نقاط را معطل کرد پس این دو مطلب است تکلیف حکومت محل است تکلیف دولت است که یک محلی که انتخاب کرده باشد حکومت صورت مجلس آن را بخواهد بگیرد بفرستد برای انجمن مرکزی و البته اگر انجمن جزء صورت را نفرستاد یا حکومت مسامحه در مطالبه کرد دولت از او مؤاخذنه خواهد کرد پس این مسئله علی ای حال راجع میشود بیک مطلب دیگر و اینکه اینجا نوشته شده است راجع است باثر آن کار که اثر آن مسامحه که انجمن جزء میکند چه خواهد شد .

رئیس - یک پیشنهادی شده است یعنی تقاضا کرده اند آقای بهجت که ارجاع بکمیسیون شود چون ارجاع به کمیسیون حق تقدم بسیار پیشنهادها دارد اول آن را خواننده و رأی میگیریم (تقاضای آقای بهجت عبارت ذیل قرائت شد) این بنده تقاضا میکنم که این ماده برگردد به کمیسیون تجدید نظر بشود .

بهجت - آقای معز الملک فرمودند که در جنبه اینجا ملاحظه میشود یک جنبه آن این است که اثر تعویق چه خواهد شد و بنده در این جنبه عرض میکنم که تعویق انجمن نظارت جزء را نمیتوان .

رئیس - توضیح تقاضای خودتان را بفرمایند .

بهجت - میخواهم توضیح تقاضای خود را عرض کنم اگر ارجاع میفرمایند چون این مطلب خیلی نظیر دارد مثل اینکه ممکن است که انجمن مرکزی اعتبار نامه بیک نماینده بدهد در این صورت هم آیا ممکن است بگوئیم حق انتخاب آن حوزه انتخابیه ساقط است بدیهی است که همچو چیزی را نمیشود گفت و از آن طرف آقای ذکاءالملک مخیر هم صحیح فرمودند که انتخابات یک حوزه را برای یک نقطه نمیشود بلانکلیف گذاشت پس در حقیقت مابین دو معذور هستیم و از این جهت عقیده بنده اینست که برگردد بحکم کمیسیون تجدید نظری

ماده ۴۶ - اعتراض بر انتخابات را اشخاصی دارند که حق انتخاب کردن را داشته باشند .

رئیس - در ماده ۴۶ مخالفی هست (اظهاری نشد) .

رئیس - رای میگیریم آقایانیکه تصویب میکنند قیام کنند (اغلب قیام کردند) .

رئیس - با اکثریت تصویب شد ماده ۴۷ قرائت میشود .

(بپارت ذیل قرائت شد) - ماده ۴۷ - همین که نصف بعلاوه یک نفر از نمایندگان ملت در طهران حاضر شوند مجلس شورای ملی افتتاح می یابد و رای ایشان با اکثریت مناظر اعتبار و مجری است .

رئیس - مخالفی هست در این ماده .

حاج وکیل الرعایا - بنا بر اینکه ابتداء مشروطیت نصف بعلاوه یک را چندان محل اعتبار قرار ندادند و در دوره اول همینکه منتخبین طهران که عده آنها به ثلث میرسد حاضر و انتخاب شدند مجلس افتتاح شد حالا هم بنده عقیده ام این است که نصف بعلاوه یک را تبدیل به ثلث نمایند و اگر به ثلث برگردد چندان ضرری وارد نمیشود و قانون اساسی هم این عرض بنده را تصویب میکند .

ذکاء الملک - ثلث خیلی کم است و ممکن است آن وقت مطالب آراء خیلی خیلی تصویب شود و در شود بجهت اینکه ثلث نمایندگان تقریباً چهل نفر خواهد بود آن وقت سه ربع آنها که ۳۰ نفر میشود حاضر شدند شروع بکار می شود و رای نصف بعلاوه یک نفر آنها مناط اجرای مطالب خواهد بود در صورتیکه ممکن است کمتر هم شوند زیرا یک وقت عده حاضرین راهم اگر حساب کنیم نباید کمتر از اینها بود .

حاج امام جمعه - این ماده یک قدری مجمل است با حضور ۶۱ نفر مجلس منعقد شود و لکن نه هر کویلی که بیاید مدعی وکالت باشد باید یک ۶۱ نفری باشند که وکالتشان مسلم شده باشد چون در این دوره سابق این طور نکرده اند ۶۱ نفری که حاضر شد مجلس را مفتوح کردند و تقبلیکه رسیدگی باعتبار نامه های آنها کردند تقریباً ربع از آنها کم شد یا قدری زیادتر یا کمتر و مجلس آن وقت با ۴۵ نفر باید افتتاح شود این را ملاحظه فرمائید آن وقت باقتضای قانون سه ربع آنها که حاضر بود میتواند مجلس داخل مذاکرات شود و رای بدهد و سه ربع ۴۵ مثلا میشود ۳۳ نفر همینکه در مجلس حاضر شد اکثریت اینها میشود ۱۷ نفر آخر ۱۷ نفر میشود امور مملکت را تصویب کرد و با ۱۷ رأی در مملکت میتوان حکومت کرد پس خوب است این قدر اعلاوه کرد ۶۱ نفری که وکالت آنها محقق باشد .

افتخار الواعظین - این شکلی که آقای حاج امام جمعه فرمودند بنده نمیدانم چه طور تصویب کنم پس معلوم میشود که این قبل از افتتاح مجلس شورای ملی باید رسیدگی شود و یک کمیسیون معین شود و رسیدگی باعتبار نامه ها بکند همینکه ۶۱ را تصویب کرد آن وقت مجلس افتتاح شود و این نمیشود بلکه آن شکلی که فرمودند صحیح است باید همین شکل باشد ۶۱ نفر کداری اعتبار نامه صحیح شدند باید مجلس منعقد شود ولی این قبل از افتتاح نمیشود مجلس که افتتاح شد کمیسیون انتخاب میکنند

کرسیدگی باعتبار نامه ها میکنند آنها رسیدگی میکنند و رایور به مجلس میدهند آن وقت مجلس شورای ملی آن اعتبار نامه را قبول یابد میکنند پس در وقت افتتاح اعتبار نامه پس از افتتاح مجلس است نه قبل از افتتاح مجلس قبل از افتتاح نمیتوانیم کمیسیونی تشکیل کنیم که باعتبار نامه ها رسیدگی کند .

حاج امام جمعه - بنده توضیح دارم زیرا سوء تفاهمی شده با آن بیانی که بنده کردم .

رئیس - بفرمائید .

حاج امام جمعه - بعد از آن بیاناتی که کردم تصور نمیکردم که سوء تفاهم بشود فرض بنده این بود که ماده را باید طوری نوشت که همین که ۶۱ نفر محقق الکراله که حاضر شد مجلس مفتوح شود نه اینکه با ۱۷ نفر مملکت اداره شود بنده نمیگویم پیش از آنکه مجلس شورای ملی تشکیل شد ملاحظه اعتبار نامه و کابل رای میکنند میگویم چون سال گذشته مادیدیم که ۶۱ نفری که حاضر شدند تمام اعتبار نامه شان بیرون نیامد برای این بود پس باید عده آنها را بیشتر کرد که اگر چند نفری بواسطه ناصحی رای دادند اقل ۶۱ نفر حاضر باشند .

ذکاء الملک - این فرمایشات حاج امام جمعه صحیح است ولی نظامنامه داخلی ما یک اندازه جلوگیری کرده است از این مسئله در ماده ۷ نظامنامه داخلی میگوید وقتی که صحت اعتبار نامه سه ربع نمایندگان حاضر تصدیق شد میتوان با انتخاب هیئت رئیسه دائمی شروع نمود پس بطریق اولی معلوم میشود وقتی که سه ربع از اعضائی که اعتبار نامه شان بکار کند این را اول کاریکه میکنند مجلس شورای ملی انتخاب هیئت رئیسه است پس این در موقتی میشود که ۴۶ اعتبار نامه شان تصویب شده است حالا آقای حاج امام جمعه اگر عقیده شان این است که ۴۶ نفر هم کم است این یک مطلبی است .

رئیس - مذاکرات در این باب کافی است (اظهاری نشد) در ققره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود .

(اول اصلاح آقای ادیب التجار بپارت ذیل قرائت شد) .

بنده پیشنهاد میکنم همینکه ۶۱ نفر نماینده اعتبار نامه مصدق حضور بهم رسانیدند مجلس افتتاح و بعد از حضور دولتک رای ایشان با اکثریت مناط اعتبار و مجری است .

(دوم - اصلاح آقای میرزا مرتضی قلیخان بپارت ذیل قرائت شد) .

بنده تقاضا میکنم که ماده ۴۷ بکمیسیون انتخابات برگردد .

رئیس - آقای میرزا مرتضی قلیخان توضیحی دارید بفرمائید .

که آقای حاج امام جمعه فرمودند خیلی متأسفم که رای مجلس در ۱۷ نفر گرفته شود و این قانونی شود اما از این طرف هم متأسفم که نمیشود این ماده را تغییر بدهیم زیرا این ماده جزء مواد قانون اساسی محسوب میشود و در واقع عوض یکی از مواد

است که از قانون اساسی تغییر داده شده است و خیلی متعجب هستم که در این مورد چه بکنم بجهت اینکه هر دو طرف خیلی محظورات دارد این است که بنده تقاضا میکنم که این ماده از جاع بکمیسیون شود و استعنا میکنم از اعضاء کمیسیون که دقت کاملی در این باب بکنند که بلکه بطور خوبی اصلاح بشود .

ذکاء الملک - از باب این ماده گمان میکنم کمیسیون بتواند تغییر رای بدهد بجهت اینکه مطلب راجع باین است که در چه وقت مجلس افتتاح میشود افتتاح مجلس با حضور نصف بعلاوه یک از نمایندگان است نه آن نمایندگان که ما محققا بدانیم نماینده است بهر حال ۶۱ نفر که حاضر شدند ما باید مجلس را افتتاح کنیم برای اینکه شروع کنیم بر رسیدگی اعتبار نامه ها مگر اینکه بفرمائید نصف بعلاوه یک نباید باشد آنهم که در حقیقت نیست زیرا اسباب تعویق انتقاد مجلس میشود پس این ضرر ندارد که ما بگوئیم همینکه نصف بعلاوه یک که حاضر شد مجلس افتتاح میشود و کار مجلس اول رسیدگی باعتبار نامه ها است حالا اگر نظری داشته باشند و بخواهند در مجلس مطلب یک عده آراء قلیلی رد و قبول شده باشد پس در این نظامنامه که نوشته است ۶۱ نفر که حاضر شد مجلس منعقد میشود و سه ربع از آنها که اعتبار نامه شان صحیح بود شروع بشود و تصور میکنم حالا اگر این را کم میدانید بفرمائید که تمام این ها اعتبار نامه شان صحیح باشد و الا جز اینکه اسباب تعویق افتتاح مجلس بشود قایل نخواهد داشت .

است که از قانون اساسی تغییر داده شده است و خیلی متعجب هستم که در این مورد چه بکنم بجهت اینکه هر دو طرف خیلی محظورات دارد این است که بنده تقاضا میکنم که این ماده از جاع بکمیسیون شود و استعنا میکنم از اعضاء کمیسیون که دقت کاملی در این باب بکنند که بلکه بطور خوبی اصلاح بشود .

ذکاء الملک - از باب این ماده گمان میکنم کمیسیون بتواند تغییر رای بدهد بجهت اینکه مطلب راجع باین است که در چه وقت مجلس افتتاح میشود افتتاح مجلس با حضور نصف بعلاوه یک از نمایندگان است نه آن نمایندگان که ما محققا بدانیم نماینده است بهر حال ۶۱ نفر که حاضر شدند ما باید مجلس را افتتاح کنیم برای اینکه شروع کنیم بر رسیدگی اعتبار نامه ها مگر اینکه بفرمائید نصف بعلاوه یک نباید باشد آنهم که در حقیقت نیست زیرا اسباب تعویق انتقاد مجلس میشود پس این ضرر ندارد که ما بگوئیم همینکه نصف بعلاوه یک که حاضر شد مجلس افتتاح میشود و کار مجلس اول رسیدگی باعتبار نامه ها است حالا اگر نظری داشته باشند و بخواهند در مجلس مطلب یک عده آراء قلیلی رد و قبول شده باشد پس در این نظامنامه که نوشته است ۶۱ نفر که حاضر شد مجلس منعقد میشود و سه ربع از آنها که اعتبار نامه شان صحیح بود شروع بشود و تصور میکنم حالا اگر این را کم میدانید بفرمائید که تمام این ها اعتبار نامه شان صحیح باشد و الا جز اینکه اسباب تعویق افتتاح مجلس بشود قایل نخواهد داشت .

رئیس - رای میگیریم بقضای آقای میرزا مرتضی قلیخان آقایانیکه تصویب میکنند و قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - قایل توجه نشد آقای ادیب التجار در اصلاح خودتان توضیحی دارید بفرمائید .

ادیب التجار - نظر بهمان که رای مجلس درباره یک مملکتی است و باید مدعی و مجری باشد و آن رای قاطع است پس هر چه در این باب دقت بیشتر شود و اینکه مجلس ده بیست روز دیرتر تشکیل شود بهتر است و اینکه نوشته ام اعتبار نامه مصدق نظرم این است که تصویب شده از انجمن نظارت و ولایتی و حکام باشد .

رئیس - کمیسیون در این پیشنهاد چه میگوید

ذکاء الملک - کمیسیون قبول ندارد .

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - رای میگیریم باین پیشنهاد آقای ادیب التجار آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (کسی قیام نکرد)

قسمت اول کوراجع است بدست دوره تقنینیه ۲ ساله این ممکن است دو نظر باشد بعضی ها شاید نظر بنده را قبول کنند ولی بگویند چون این مسئله مدت در قانون اساسی معین نشده است و قانون اساسی را مجلس نمیتواند تغییر بدهد باین جهت نمیشود در این باب رای داد و بعضی ها هم شاید اساسا امتداد مدت مخالفت داشته باشند باین جهت برای رفع شبهه از آن کسانیکه تصور میکنند این یک قسمت او راجع است بقانون اساسی بنده مجبورم مختصری عرض کنم مدت دوره تقنینیه در اصل پنجم ذکر شده است اصل پنجم میگوید منتخبین از برای دو سال انتخاب میشوند و مردم مختارند که دوباره همان و کلاه را انتخاب کنند و این ماده بر حسب تصویب انجمن آذربایجان تغییر کرد چند ماده بود که تغییر کرد یکی از آنها اصل پنجم بود که این چند اصل در قانون اساسی بواسطه رجوع بملت تغییر کرد همان اصل پنجمیکه یکی از اصول قانون اساسی بود تغییر کرده و از صفتی که قانون اساسی دارد خارج شده و حکم قانون عادی را پیدا کرده است همان شما را حق داده است که هر نوع تجدید نظری و مطالعه در آن مواد بعمل بیآورید و یکی از آن مواد راجع بدست است پس بنظر بنده هیچ اشکالی ندارد و اما آنچه راجع است به حسنات زیادی مدت دوره تقنینیه گویا هیچ پوشیده نباشد بر آقایان زیرا فی این مملکت دوره تقنینیه دو سال کلیه کم است است پس این قانون عادی شد چنانچه در قانون انتخابات هم مصرح است که پس از افتتاح مجلس حق داشته باشد نظرات جدیدی بنماید در آن مواد تغییر یافته بهر جهت بنده عرض میکنم دو سال کافی نیست چون برای هر کاری یک اندازه تجربه لازم است و بتراجم عرض کنم نمایندگان که در دوره خواهند آمد علی التحقیق تجربه اینها ندارند که حالیه حاضرند و بصیرت پیدا کرده اند و بعدها هم یک مدتی لازم دارد که تا یک درجه داخل در عملیات خودش بشود و متأسفانه میدانند که اسباب تسهیل عملیات کمتر خواهد بود در کار و دیگر چون مملکت ما از حیث خاک خیلی وسیع است و جمعیت او نسبت بغناکش خیلی کم است و وسیله سرعت راه از قبیل راه آهن و غیره نداریم بعضی وسایل انتخابیه را نداریم باین جهت بعقیده بنده دوره تقنینیه دو سال کم است و یک مدت متعادی را از ما خواهند گرفت و بنده پیشنهاد کردم که مدت دوره تقنینیه ۴ سال باشد و یک جهت مخالفت بنده راجع باینستای دوره تقنینیه که روز افتتاح مجلس باشد بنده با اینهم مخالفم و تصور میکنم که بهتر این است یک روز معینی و مقرری از برای افتتاح قرار بدهیم چنانچه اگر رجوع کنیم بنظامنامه داخلی مجلس و اگر رجوع بکنیم باصل ۸ قانون اساسی میبینم که افتتاح مجلس بروز ۱۴ میزان معین شده است در اصل ۸ اساسی میگوید مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورای ملی بر طبق نظامنامه داخلی مجلس به تشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از میزان که مطابق جشن افتتاح مجلس است مفتوح و مشغول کار شود شاید بعضی ها میگویند که این دوره اجلاس است ولی تصدیق خواهند کرد که دوره تقنینیه هم مرکب از چند دوره

اجلاس است و در صورتیکه برای دوره اجلاس به یک مدتی معین میکنند بهترین است پس خوب است برای ابتدای دوره تقنینیه هم یک روزی معین کنند و گمان میکنم که بهتر از این وقت نخواهد بود که ۱۴ میزان است و سه ماه باخر دوره هم ذکر شده است که اعلان انتخابات بکنند آن وقت هم وقت تابستان و یک سوم کفایت است که عمل انتخابات بطور سهولت بعمل بیاید اولاً میشود حدس زد که با سه ماه فرجه عده کافی حاضر خواهند شد که مجلس را تشکیل کنند و بهتر این است برای اینکه صلیات انتخابات را انجام بدهیم یک فصل خوب را معین بکنند که انتخابات در آن موقع بهتر بعمل بیاید که در یک فصلی نباشد بواسطه سختی و بارندگی و سرما اسباب اشکال برای انتخابات فراهم آید اگر این مسئله را در نظر داشته باشیم در سه ماه قبل از ۱۴ میزان یک موقع خوبی است که مردم انتخابات خودشان را بعمل بیآورند و یک فصلی نباشد که یا بجهت اینکه زمستان است یا که وقت تعطیل است عمل انتخابات موق در قانون اساسی تصریح است که ما یک تعطیل در تابستان داریم این را هم ممکن است که یک زمان معین قرار بدهیم ولی آن مسئله ربطی باین مسئله ندارد زیرا آن افتتاح مثل افتتاح بعد از انحلال نیست بجهت اینکه ممکن نیست که در یک روز معین تمام حاضر شوند که یا حالا در پیش خودمان یک زمانی را عرض کنیم مثلا فرض میکنیم حالا که مجلس منحل میشود باید ۱۴ میزان افتتاح بشود حالا که مجلس منحل شد سه ماه طول میکشد که امر انتخابات بعمل بیاید بلکه بیشتر بنده نمیدانم آقای معزز الملک از اول کدام میزان بفرمائید اسمال یا سال آینده اگر اول میزان سال آینده است سه ماه که باید انتخاب شوند پس در این صورت بفرمائید آقای معزز الملک باید نه ماه هم بیکار بمانند تا ۱۴ میزان پس باین دلایلی که عرض شد ممکن است بواسطه خیلی عواقب مجلس تعطیل باشد و دیگر اینکه وقتی که مجلس منعقد شد وجه زمانی منحل خواهد شد و آن مطابق با آن فصلی که موقع انحلال یا موقع افتتاح است همانطور که میخوانند خواهد شد باخر پس باین دلایل که عرض شد این یک مسئله مشکلی است که ما یک زمان را برای افتتاح مجلس فرض کنیم ممکن است یک تصور دیگری فرض کنیم و آن این است که همیشه پیش از انحلال مجلس سه ماه مانده اعلان انتخابات داده شود که تا وقت انحلال مجلس و کلارا انتخاب کرده باشند که بعد از انحلال مجلس افتتاح شود این کار را میتوانیم بکنیم در صورتیکه مخالف با قانون اساسی نباشد که هیچوقت مجلس تعطیل نباشد مگر وقتی که عده از نمایندگان کافی شده و حاضر نیستند این نظر آقای معزز الملک بود که در همان روزیکه مجلس منحل شد و در همان روز هم مجلس منعقد شود بنده این را از راه دیگری میتوانم بگویم که مانعی هم نداشته باشد و آن راه طبیعی است که مانع نیست از برای صامه طبقات مردم و آن زمستان است ممکن است زیرا که مردم جمعند بگوئیم در اول عید نوروز که اول سال ایرانی است و همان روز ما مجلس را قرار بدهیم ولی این در صورتی است که ما مقید باشیم بزمان وقتی که ما نمیتوانیم

مقید شویم بزمان بگوئیم در موقعی که رعایا مشغول جمع آوری محصول خود هستند شروع میکنیم در این صورت هم یک عده محروم میمانند پس در معنی بلخظلی و یک محرومیتی است که به جمعی وارد میآید این بنده یک پیشنهاد میکنم و موافقت دارم با ماده عقیده ام بماند و تصور میکنم که مدتی هم کافی است و برای اینکه عده ام که بر سرای مجلس لازم است حاضر خواهد شد حالا فرضاً هم که حاضر شد یک عده در اینجا هست باز هم حتماً مقید نیستیم که مجلس شورا حتماً منعقد شود در ۱۴ میزان راحت تر و سهلتر انتخاب خودشان را بعمل می آورند و باز عرض میکنم که سه ماه کافی است که نیمه آخر دوره بهتر و مرتب تر معین خواهد کرد و خود این شاید وسیله باشد که نمایندگان زود تر حاضر شوند و نگویند روز افتتاح مجلس در دست خودمان است عجله ندارد اگر قدری دیرتر هم در وقتیم دست خودمان است لکن اگر معین باشد شاید نمایندگان زودتر حاضر شدند آن وقت شروع میشود و از ۱۴ میزان محسوب خواهد شد اهم از این که ده روز بعد مشغول شوند و بدانند که برای آن دوره یک مدتی معین شده و عسر قانون گذاری آن ها از یک روز معینی شروع میشود و اگر اینها دیر آمدند از موقعی که باید بیایند باز هم همان طور محسوب میشود و اگر دیر آمدند در عوض آن یک ماه که دیر کرده اند حقوقشان کسر گذارده خواهد شد یعنی اگر یک ماه دیر تر بیایند عرض اینکه ۲۴ برج شمس که باید بیایند این جا به نشینند ۲۴ برج شمس می نشینند این شاید تأکید شود که خودشان زود تر بیایند باین جهت عرض کردم بنده با این ماده دو مخالفت دارم و عرض کردم ممکن است که بعضی ها با یک مخالفت بنده همراه باشند این که دو پیشنهاد کردم و پس از اظهار مخالفت آقایان باز حاضریم که توضیحات دیگر بدهم .

بجهت - بنده بهمان قسمت آخر که راجع بزمان است عرض دارم - عرض میکنم که هیچ ممکن نیست که ما یک زمانی از برای مجلس معین کنیم مخصوصاً در ۱۴ میزان بجهت اینکه در میزان اول رعایا مشغول بامور زراعت خود هستند موقع تابستان هم مشغول جمع آوری محصولات و غیره میباشند در شهر نیستند و برای امر انتخابات هم بیایند در شهر ها در آن زمان کسر کرده محصولاتند ممکن نمی شود این دو تا سوم این که مردم شهر هم که در بیلا قاتند و غالباً ادارات دولتی هم تعطیل است از گرما فرار میکنند میروند در کوهها برای اینکه از گرما محفوظ باشند بعد از همه اینها که عرض کردم استدلالاتی که آقای معزز الملک فرمودند گویا مقصودشان آن دوره اجلاس است و خواستند قیاس کنند دوره تقنینیه را به دوره اجلاس به زیرا خواستند به فرمائید هم چنان که این است که هیچ زمانی برای او نباید معین کرد و همان طوری که در ماده معین شده است بهتر است با آن ترتیبی که حوزه انتخابات جدید میشود .

رئیس - مذاکرات در این باب گویا کافی است - چند فقره هم پیشنهاد رسیده است که باید قرائت شود (گفتند کافی نیست)

دکتر رضاخان - بنده با مدت مخالفم و نظرم

رئیس - مذاکرات در این باب گویا کافی است - چند فقره هم پیشنهاد رسیده است که باید قرائت شود (گفتند کافی نیست)

دکتر رضاخان - بنده با مدت مخالفم و نظرم

رئیس - مذاکرات در این باب گویا کافی است - چند فقره هم پیشنهاد رسیده است که باید قرائت شود (گفتند کافی نیست)

دکتر رضاخان - بنده با مدت مخالفم و نظرم

رئیس - مذاکرات در این باب گویا کافی است - چند فقره هم پیشنهاد رسیده است که باید قرائت شود (گفتند کافی نیست)

دکتر رضاخان - بنده با مدت مخالفم و نظرم

رئیس - مذاکرات در این باب گویا کافی است - چند فقره هم پیشنهاد رسیده است که باید قرائت شود (گفتند کافی نیست)

دکتر رضاخان - بنده با مدت مخالفم و نظرم

رئیس - مذاکرات در این باب گویا کافی است - چند فقره هم پیشنهاد رسیده است که باید قرائت شود (گفتند کافی نیست)

دکتر رضاخان - بنده با مدت مخالفم و نظرم

رئیس - مذاکرات در این باب گویا کافی است - چند فقره هم پیشنهاد رسیده است که باید قرائت شود (گفتند کافی نیست)

دکتر رضاخان - بنده با مدت مخالفم و نظرم

رئیس - مذاکرات در این باب گویا کافی است - چند فقره هم پیشنهاد رسیده است که باید قرائت شود (گفتند کافی نیست)

دکتر رضاخان - بنده با مدت مخالفم و نظرم

این است که حتماً این جزء قانون عادی است و حق مجلس است و بعضی عقیده‌شان این است که جزء قانون اساسی است بآن نظر بنده تصور میکنم که این مسئله باید امروز حل شود و آن موادی که در قانون اساسی تغییر کرد و تفسیر شد قانون انتخابات را اگر ملاحظه بفرمائید خواهید دید که بنویسد چهار اصل از قانون اساسی را لازم‌التعمیر دیدند بعضی از غیر خواهان ملت لهذا او را ارائه دادند بنام ملت و از تمام نقاط ارجاع شد بانجمن آذربایجان و انجمن آذربایجان تصویب کردند تغییر او را و آن چهار اصل تغییر کرد و نوشتند که نمایندگان جدید حق دارند نظریات خودشان را بکنند و هر يك از مواد را بخواهند جرح و تعدیل کنند و اینهم یکی از آنها است در پروگرام وزراء ما کفایت میکنم در دوره جدید نمایندگان که انتخاب میشوند حق نظر یعنی تغییر و تبدیل در قانون اساسی داشته باشند بنا بر تصویبی که مجلس کرده است و اجازه که بهیئت دولت در اینخصوص داده است و نمایندگان جدید مجازند نوع نظری در قانون اساسی بنمایند ولی چهار ماده از آن باین مجلس حق داده شده است و دیگر صریح تر از این تصور میکنم نمیشود و محل اشکال و تردیدی هم نباشد نظر باین مقدمه بنده حتماً جزء قانون عادی مملکت معائن و بهمان نظر پیشنهادی کرده‌ام که ۳ سال باشد برای اینکه بخرید هم خیلی لازم است مثل اینکه بنده که یکی از نمایندگان هستم ششماه بلکه یکسال تمام مشغول بحرید بودم و مجلس در حقیقت برای مایک مدرسه بوده است این است که بنده در این دو سال نظر کردم دیدم که البته يك مدتی هم برای بکار رفتن تجربه و بیانش در کارها لازم است باین جهت مدت زیاد تر باشد تصور میکنم بهتر باشد چون يك مدتی برای تجربه لازم است و بعد از تجربه هم استفاده کردن است از آن معلومات و تجربیات و حالا يك دسته که هیچ اطلاعی ندارند و هیچ تجربه حاصل نکرده اند بیایند تا دو سال مشغول تجربه شوند و بعد بروند پس چه وقت ملت و مملکت می تواند استفاده بکند باین جهت بنده این دو سال را کم دیدم و پیشنهاد کردم که ۳ سال باشد و آن چهار اصل قانون اساسی را که لازم‌التعمیر دیدند برای همین بود که اگر چنانچه محتاج شدند بتوانند در آن تغییری بدهند و یکی از آنها این اصل است که مسکن است دو سال را سه سال قرار بدهیم و این راجع بهمان چهار اصل است بنده نمیگویم که ماده دیگر را هم دست زده اند آنجا مینویسد که دوره تقنینیه که سرآمد مجدداً تمام و کلاً انتخاب خواهند شد در صورتیکه کمیسیون هم نطوش این بوده است که میتوان تغییر داد او نوشته ۳ ماه قبل از انحلال مجلس اعلان انتخاب داده خواهد شد.

این است که حتماً این جزء قانون عادی است و حق مجلس است و بعضی عقیده‌شان این است که جزء قانون اساسی است بآن نظر بنده تصور میکنم که این مسئله باید امروز حل شود و آن موادی که در قانون اساسی تغییر کرد و تفسیر شد قانون انتخابات را اگر ملاحظه بفرمائید خواهید دید که بنویسد چهار اصل از قانون اساسی را لازم‌التعمیر دیدند بعضی از غیر خواهان ملت لهذا او را ارائه دادند بنام ملت و از تمام نقاط ارجاع شد بانجمن آذربایجان و انجمن آذربایجان تصویب کردند تغییر او را و آن چهار اصل تغییر کرد و نوشتند که نمایندگان جدید حق دارند نظریات خودشان را بکنند و هر يك از مواد را بخواهند جرح و تعدیل کنند و اینهم یکی از آنها است در پروگرام وزراء ما کفایت میکنم در دوره جدید نمایندگان که انتخاب میشوند حق نظر یعنی تغییر و تبدیل در قانون اساسی داشته باشند بنا بر تصویبی که مجلس کرده است و اجازه که بهیئت دولت در اینخصوص داده است و نمایندگان جدید مجازند نوع نظری در قانون اساسی بنمایند ولی چهار ماده از آن باین مجلس حق داده شده است و دیگر صریح تر از این تصور میکنم نمیشود و محل اشکال و تردیدی هم نباشد نظر باین مقدمه بنده حتماً جزء قانون عادی مملکت معائن و بهمان نظر پیشنهادی کرده‌ام که ۳ سال باشد برای اینکه بخرید هم خیلی لازم است مثل اینکه بنده که یکی از نمایندگان هستم ششماه بلکه یکسال تمام مشغول بحرید بودم و مجلس در حقیقت برای مایک مدرسه بوده است این است که بنده در این دو سال نظر کردم دیدم که البته يك مدتی هم برای بکار رفتن تجربه و بیانش در کارها لازم است باین جهت مدت زیاد تر باشد تصور میکنم بهتر باشد چون يك مدتی برای تجربه لازم است و بعد از تجربه هم استفاده کردن است از آن معلومات و تجربیات و حالا يك دسته که هیچ اطلاعی ندارند و هیچ تجربه حاصل نکرده اند بیایند تا دو سال مشغول تجربه شوند و بعد بروند پس چه وقت ملت و مملکت می تواند استفاده بکند باین جهت بنده این دو سال را کم دیدم و پیشنهاد کردم که ۳ سال باشد و آن چهار اصل قانون اساسی را که لازم‌التعمیر دیدند برای همین بود که اگر چنانچه محتاج شدند بتوانند در آن تغییری بدهند و یکی از آنها این اصل است که مسکن است دو سال را سه سال قرار بدهیم و این راجع بهمان چهار اصل است بنده نمیگویم که ماده دیگر را هم دست زده اند آنجا مینویسد که دوره تقنینیه که سرآمد مجدداً تمام و کلاً انتخاب خواهند شد در صورتیکه کمیسیون هم نطوش این بوده است که میتوان تغییر داد او نوشته ۳ ماه قبل از انحلال مجلس اعلان انتخاب داده خواهد شد.

سازار کافی میدانم .
مهر زالملك - فقط چیزی که در اینجا گفته شد برای مدت چهار سال و سه سال این است که گفته هنوز مردم نمیدانند چه کسی را انتخاب کنند و نمی شناسند چه کسی قابل است و بصیرت دارد در امور مملکتی که او را انتخاب نمایند و هنوز از روی تردید ایشان را انتخاب میکنند پس اگر چنانچه این نظر است هر چه زودتر باشد بهتر است پس خوب است دوره را ششماه به ششماه میکنیم این هیچ دلیل نمیتواند بشود و اینکه فرمودند سایر جاهای عکس در سایر جاها همان دوسال را اگر بگیرند و حتی الامکان دوره را کمتر کنند بهتر است ولی در ایران برعکس است باید يك مدت زیادی داشته باشد برای جهانی که معین است باید زیاد از دوسال باشد و خود این معلوم و واضح است و اینکه میگویند يك عده از روی يك ترتیباتی عمل کنند که موکلین آنها میدانند این يك چیزی است که دلیل نمیتواند بشود اگر آن را وکیل بوظیفه خودش عمل نکرده است چه فرق میکند اگر چنانچه بوظیفه خودش عمل نمیکند در این دوسال هم ممکن است که بوظیفه خودش عمل نماید و هر قسم که میخواهد ممکن است در این دوسال بکند و دوسال

کافی است که هر خراب کاری که خواهد میکنند پس اگر باین دلیل است که مدت کمتر باشد که او زیاد خراب کاری نکنند خوب است ششماه قرار بدهند و ششماه بهتر از دو سال است پس این يك چیزی است که هیچ يك از آقایان نتوانستند از آن مدنظر عرایض بنده رازد بکنند پس دلیلی را که بنده عرض کردم و خیلی دلیل صحیحی است آن مسئله تجربه است بجهت چه بجهت اینکه نمایندگان کسی که در این جا نشسته اند شاید بعضی از آن ها آن چیزی را که مقصود است پیش از وقت نمیتوانند يك نظریاتی پیدا کنند و وقتی که داخل کار شدند ممکن است آن نظریات حاصل شود آن چیست آن تجربه است و تصور میکنم کسی نباشد که منکر شود بنده از تمام آقایان میخواهم بیسم که نمایندگان کسی که بعد خواهند آمد بجزئیات و اطلاع ایشان از این اشخاصی که حالا هستند بیشتر است ممکن نیست که بگویند بجزئیات ایشان زیادتر است یا آنکه میگویند تجربیات ایشان متساوی است علی التعمیر نمیشود گفت بجزئیات آنها با تجربیات این اشخاصی که اینجا نشسته اند مساوی است و این اشخاصی که در اینجا نشسته اند تجربیاتشان خیلی است و بنده هم عقیده هستم با آقای دکتر حاج رضاخان که فرمودند ماه بلکه یکسال است که تامل در تجربه بوده‌ام افلا باید يك مدتی داشته باشند که تجربه خودشان را بواقع عمل بکنند و از آن تجربه يك فایده ببرند عمل و تجربه و کار يك مدرسه است که خیلی خوب میتواند آدم را تربیت کند پس باین نظر البته بهتر است همان فرمایشی که آقای دکتر حاج رضا خان فرمودند که این يك سال فقط در تجربه بوده‌اند و در دوسال دیگر میتوانند از آن تجربیات خودشان استفاده کنند پس از این مد نظر میبینم که دوسال کم است و وقتیکه این ملاحظه را بکنند خواهند دید که در مصالحت مدت زیاد جای هیچ تردیدی باقی نمیماند.

رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد
 (بعضی کافی میدانند و برخی کافی نمیدانند)
 رئیس - پس رأی میکنیم که مذاکره کافی است یا خیر آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند (عده قیام نمودند)
 رئیس - معلوم میشود که مذاکرات کافی نیست آقای دکتر سیدالاطباء مخالفت و فست دیگرش موافق
حاج آقا - بنده این مسئله را اساسی میدانم و عرض میکنم که کسانی که میدانند دلیل منطقی دارند و بهینطور کسانی که زیاد میدانند دلیل منطقی دارند هر دو دلیل منطقی دارند هم کسانی که کم میدانند و هم کسانی که کافی میدانند ولی آنها از يك نقطه نظر اینها از يك نقطه نظر تمام فرمایشات آقای مهر زالملك از نظر تجربه و کلاه صحیح است ولی عرض میکنم که در مملکت ما اگر و کلاه صراط سیر تجربه هستند اما اینجا مراد سیر تجربه و کلاه نیست و سیر تجربه ملت است ما باید همیشه تجربه ملت را

مقدمه تجربه و کلاه بدانیم امروز که ملت ایران دورتره بیشتر و کیل انتخاب نکرده اند بطور صحیح یکمرتبه میتوان گفت که وکیل انتخاب کرده‌اند و تحصیل حالا تجربه ایشان هم زیادتر شده باشد بنده این تجربیات که پیدا کرده‌اند میخواهند این تجربیات را بواقع عمل بکنند با سم است که از خیلی و کلاهی خودشان متشکر و ممنون هستند و بسا هست که از خیلی و کلاه راضی نیستند بلکه نقطه نظر اعمال و کلاه یا نقطه نظر و افکار ملت مختلف باشد برای ملت يك راه فراری باید باشد یا نباید باشد اگر نظر این ملت مخالف با نظریات و کلاهی باشد این را چه باید کرد باید بگوئیم وکیل وکیل است و کلاه چه میگویند قوه مجریه باید بواقع اجرا بگذارد نمیشود اینطور گفت بنده استدعا میکنم که این دو نقطه نظر را هم از هم جدا بکنند و نقطه نظر تجربه ملت را مقدم بدارند بنده از این نقطه نظر مخالفم یا اینکه يك روز باین مدت انتخاب افزوده شود اما راجع بمانه قانون اساسی که فرمودند این تمام ملت اعلام شد بعد آنها بانجمن آذربایجان رجوع کردند و نوشتند که بعد هم و کلاً میتوانند در آن نظری کنند بنده نمیگویم این را نمیتوان تغییر داد بواسطه اینکه صحیح است که بانجمن ایالتی آذربایجان تعویض شد آنها هم نوشتند که پس از افتتاح مجلس و کلاه هم میتوانند نظریات خودشان را بکنند ولی آن روزی که و کلاً جمع شدند در اینجا و نظریات خودشان را کردند و در این امر رأی دادند یعنی همان رأی که داده شده بود تصدیق کردند همان روز حکم قانون اساسی را پیدا کرد و هیچ کسی باین مخالفت نکرد بنده عرض میکنم که این مسئله قانون اساسی مملکت است ولی اینکه قانون عادی مملکت هم باشد نقطه نظر تجربه ملت همیشه مقدم تر از نقطه نظر و کلاه است و آن باید مقدم باشد و باید همیشه آن نظرها ملاحظه کرد.

لواء الدوله - هر کس عقیده دارد عقیده خودش را مجبور است که اظهار نماید یکی عقیده دارد که چهار سال باشد دوره تقنینیه و یکی سه سال هر کس يك نظریاتی دارد و يك دلیلی برای خودش حاضر کرده است که بگوید او آنجائیکه انجمن آذربایجان این ماده را نوشته اند که کلاه و کلا حاضر میشوند حق دارند که نظری در آن دارند بکنند و الا آن ساده که نوشته بود تا تمام و کلاً حاضر اول دوره مجلس حساب نمیشود آن برای ما خوب بود اگر این را میخواستیم ما در دست بگیریم حالا تقریباً که آخر دوره است هنوز عده زیادی از و کلاً ما باقی مانده است بآن نظر عرض میکنم که باید مدت زیاد باشد و تغییر دادن ضرری ندارد چون دو سال خیلی کم است بجهت اینکه سه ماه که باید راه بیاید تا برسد اینجا که تقریباً مجلس افتتاح شود سه ماه هم باید نظام نامه داخلی اینجارا یاد گرفت سه ماه هم باید دید قانون چه جور است ۶ ماه هم به بیند که تجربه چه است حالا میتوانیم بنده بگوئیم که از اول آمده‌ام تا حال هیچ فرقی نکرده و اول و حالا یکی هستی اول بمن ایراد وارد میشد حالا وارد نمیشود انسان روز بروز بهتر میشود پس يك سال برای در عرض راه و در طول راه چیزهای دیگر که ذکر شد لازم

است باین جهت است که بنده سه سال پیشنهاد کردم
حاج وکیل الرعایا - بنده مذاکراتی که شده است لازم بتکرار نمیدانم و گمان میکنم که مجلس موافقت داشته باشد باینکه همین دوسال باشد فقط يك چیزی را که میخواستم عرض کنم این است که افتتاح مجلس شورای ملی يك پیش بینی است که در قانون اساسی شده است و آن پیش بینی امروز برای رئیس قوه اجرا است و بنده گمان میکنم که برای او اسباب موجود باشد چنانچه در تمام عالم موجود است رئیس اجرا کارش بجای رسیده که انفصال مجلس شورای ملی را صلاح دانست در همه جای دنیا غیر از مملکت ما هست بنده میبوسم از آقایان که چقدر باید صبر کنند اگر نتوانستند انتخاب کنند ممکن است برای اینکه کلاً حاضر نشده‌اند و مجلس تشکیل نشد يك وقتی به بینم که مملکت می رود حالا نمیدانم که و کلاً محققند در اینکار ملت معین است رئیس اجرا معین است چون اسباب این را حاضر نکرده ایم در اینصورت تصور میکنم اضافه از دو سال هیچ معنی برای این مملکت نداشته باشد

شیخ علی شیرازی - دو سه مطلب است يك مطلب اینکه دو سال باید باشد و یکی دیگر این که ابتدای دو سال از کی باشد در اینکه ابتدای این دو سال از چه وقت باشد يك تلگرافی بشیراز کردند در آن زمانیکه آصف الدوله حاکم شیراز بود جمعی از تجار و علماء و اصناف و اعیان را حاکم جمع کرد که شوری نموده جواب بدهند جوابی که از شیراز آمد این بود که گفتند تغییر این چهار اصل یا مجلس است وقتی که و کلاً حاضر شدند هر قسم رای دادند از همان قرار رفتار شود بعد يك تلگرافی دیگر آمد که اهل شیراز خودشان را واگذار کردند برای انجمن آذربایجان که اختیار با انجمن آذربایجان است پس بنابر این بنده مخالف هستم بجهت اینکه آن قانون عادی میشود پس از رای هم که میگیریم باید سه قسمت کنیم یکی اینکه ابتدا از کی باشد و یکی در مدت که چند سال باشد .
 رئیس - مذاکرات کافی است .

ذکاء الملک - چون بنده میبینم که اذهان مشوش است و اسباب تضییع وقت مجلس شورای ملی خواهد شد و لهذا بهتر است که این ماده راجع جوع بفرمائید به کمیسیون .
 رئیس - چند فقره پیشنهاد شده است ولی برای اینکه آقایان مسیوق باشند پیشنهاد ما خوانده میشود با ماده رجوع میشود بکمیسیون آقای آقا میرزا ابراهیم خان پیشنهادهای ذیل را قرائت نمودند
 ۱ - از طرف آقای مهر زالملك بنده تقاضا میکنم که ماده ۴ تجزیه شود و اول در مدت دوره تقنینیه و بعد در افتتاح مذاکره شود .
 ۲ - از طرف آقای دکتر سیدالاطباء بنده تقاضا میکنم که این ماده تجزیه شود .
 ۳ - از طرف آقای حاج عزالمالک .
 ماده ۴۸ ابتدای دوره تقنینیه دو سال شمسی از روزی است که مجلس شورای ملی افتتاح میشود .
 ۴ - از طرف آقای لواء الدوله بنده پیشنهاد میکنم که مدت دوره تقنینیه سه سال شمسی بوده باشد .
 ۵ - از طرف دکتر حاج رضاخان این بنده پیشنهاد میکنم ماده ۴۸ بطریق ذیل نوشته شود

ماده ۴۸ ابتدای دوره تقنینیه ۳ ساله شمسی از روزی است الی آخر .
 ۶ - از طرف آقای مهر زالملك ایضاً پیشنهاد میکنم ابتدای دوره تقنینیه از ۱۴ میزان محسوب شود .
 ۷ - ایضاً از طرف آقای مهر زالملك پیشنهاد میکنم که دوره تقنینیه چهار سال مقرر شود .
 رئیس - تمام این اصلاحات فرستاده میشود بکمیسیون ماده ۴۹ .

ماده ۴۹ - بپارتن ذیل قرائت شد .
 ماده ۴۹ - مخارج مسافرت نمایندگان را از محل انتخاب الی طهران ذهاباً و اواباً با اطلاع انجمن نظارت از قرار فرسخی ۵ قران دولت ادا میکنند
 رئیس - مخالفی هست .
حاج آقا - بنده در این ماده تصور میکنم که خیال کمیسیون این بوده که خرج مسافرت و کلا را این جا بنویسند اگر بنا شود خرج مسافرت بدهند يك مرتبه خرج مسافرت را بخودشان میدهند که وارد شوند این جا يك مرتبه این است که میخواهند خرج وکیل بدهند اگر باید خرج مسافرت نوشته شود باید میزان گرفت که خرج مسافرت تا اندازه که هست داده شود فرسخی ۵ قران هر منزلی که فرسخ باشد در ایران ۲۰ قران میشود و هر کس که بخواهد بیاید يك وقت هست که خودش تنها با نوکرش میآید و يك وقت هست که با اهل و عیال باشد از این جهت تقاضا میکنم مخیر این را برگردانند بکمیسیون با يك میزانیکه میزان خرج مسافرت این مملکت است این را تصقیه کنند و بیاورند بپجلس و هم چنین مخارج ضعیع و توزیع اعلانات را زیر آنها هم خودش يك مخارج علیحده دارد .

ذکاء الملک - در این که يك میزان معینی باید باشد این صحیح است بعضی جاها میزان مخارجش کمتر است و بعضی بیشتر این هم محل حرف نیست ولی شاید بکنند بخواهند اهل و عیال خودش را هم حرکت بدهند این را نمیشود گفت که ملت باید مخارج او را متحمل شود این ۵ هزار يك میزان متدلی است که گرفته شده است از برای مسافرت بکنند ۵ قران يك مقدار کمی نخواهد بود و اگر يك چیزی اضافه شد ممکن است خودش اضافه را بپردازد .

لواء الدوله - این در خصوص عیال که این جا مذاکره شد معلوم است وقتیکه آقایان میخواهند برگردند مخارج با خودشان است و خودشان باید متحمل مخارج خودشان شوند اما در خصوص این که مخارج مسافرت داده شود ۵ هزار برای وکیل این نیست خیلی خوب است برای وکیل این مردم داده اند نه برای وکیل که توی کالسکه بنشیند گویا ه قران کافی باشد .
 رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد پیشنهادی از طرف آقای میرزا مرتضی قلیخان شده است خوانده میشود (بپارتن ذیل قرائت گردید)
 بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده ۹ این جمله زیاد بشود (مخارج متعلقه بانتخابات را با اطلاع حکومت دولت بپردازد)
 رئیس - توضیحی دارید بفرمائید .
 میرزا هر ترضی قلیجان بنده چون

تجربه عملی دارم در این کار و باید بقدریکه هم لازم است برای سرعت انتخابات کوشش کرد لذا این بود که پیشنهاد کردم که برای سرهم آمدن انتخابات يك مزارعی برای انجمن نظارت تعیین شود که تسهیل امر انتخابات بشود و زودتر انتخابات بعمل بیاید اگر مجلس برای این معین شده باشد یا اینکه انجمن خودش این مزارع را بدهد این اسباب تأخیر میشود و جاهلانی هم که جزء این حوزه هستند و باید اعلان کنند خود این اعلانات تمام خرج دارد. (رئیس) - آقای آقا شیخ اسدالله (چقدر فرمایش مبرمستاید!) دیگر آن که يك کسی میخواهد که از طرف انجمن نظارت امانت داشته باشد که برود این نوشتجات را برساند تمام خرج دارد بهتر این است که اینها را قرار بدهند دولت بدهد رئیس - این اصلاح را قبول دارید.

ذکاء الملک - عبارتش را دو باره بنویسند (مجدداً اصلاح میرزا مرتضی قلیخان قرائت گردید).

ذکاء الملک - بنه قبول دارم بنا اصلاح مبارکاتی که مزارع ضروری انتخابات و انجمن نوشته شود.

معزز الملک - بنده تصور میکنم آن مقصودی را که آقای میرزا مرتضی قلیخان دارند آن قسمت ثانی پیشنهاد ایشان برساند در اینجا يك مزارع ضروری بدوات تحویل شود بهتر خواهند بود و مقصود آقای میرزا مرتضی قلیخان هم همان است قسمتی که اسم برده شده است انجمن شاید در بعضی جاها تصور شود که این مواجب اعضاء انجمن هم هست که باسم انتخابات از برای دولت تراشیده شود در صورتیکه خود آقای میرزا مرتضی قلیخان تصریح کردند که از قبول پول اعلان و غیره بهتر است.

رئیس - يك اصلاح دیگری از طرف آقای کاشف شده است قرائت میشود (اصلاح کاشف عبارت ذیل قرائت شد).

بنده پیشنهاد میکنم که آخر ماده ۴۹ لفظ اطلاع انجمن نظارت حذف شود.

رئیس - توضیحی دارید بفرمائید.

کاشف - چون در وقت حرکت ممکن است کلاً با اطلاع انجمن نظارت باشد ولی در وقت برگشتن که انجمن نظارت اطلاع ندارد این باید اصلاح شود.

ذکاء الملک - اینهم ممکن است که نظارت کسی را لازم نداشته باشد اما آن اظهاری را که آقای معزز الملک در اصلاح آقای میرزا مرتضی قلیخان کردند صحیح بود بندهم قبول دارم.

رئیس - بند می بینم آقایان خسته شده اند چون چهار ماهه مانده است میخواستم بلکه آن چهار ماده خوانده شود ولی گمان نمیکنم که اعیان تمام شود فرادهم که جلسه داریم میگذازم برای فردا.

رئیس - آئی میگوریم بنده ۴۹ بهمین ترتیبی که اصلاح شد آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند).

رئیس - با کثرت تصویب شد رأی میگوریم که مجلس را خسته کنیم و باقی این قانون انتخابات

بماند برای جلسه دیگر آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند).

رئیس - با کثرت تصویب شد مطابق رأی که بررور داده شد فردا که روز یکشنبه است از سه بفرود مانده جلسه خواهیم داشت و دستور از این قرار است بقیه قانون انتخابات را بپورت کمسیون بودجه راجع بیکصد و پنجاه و دوهزار تومان حقوق برگشتن از بودجه دربار - ایضا داپورت کمسیون بودجه راجع به میرزا عبدالحمید خان پیشخدمت اینرا هم میخواستم عرض کنم که میبایستی در ۱۴ میزان هیئت رئیسه تغییر کند و انتخاب هیئت رئیسه فردا موافق نظامنامه عمل بیاید.

حاج شیخ الرئیس - پیشنهادی در این خصوص شده است خوانده بشود.

رئیس - پیشنهادی در این باب شده است لکن چون موقتش فردا است فردا میخواهم مخالفی نیست (اظهار شد خبر).

رئیس - حرکت کردند و مجلس یکساعت از شب گذشته ختم گردید.

صورت مشروح روزیکشنبه ۱۴ شهر شوال المکرم ۱۳۲۶

رئیس - آقای مؤتمن الملک سه ساعت قبل از غروب بجای خود جلوس فرمودند و پس از ده دقیقه مجلس رسماً افتتاح گردید.

صورت مجلس روز قبل را آقای آقا میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند (غائبین جلسه قبل) - بدون اجازه آقای میرزا علی اکبرخان - آقا سید محمد باقر ادیب - غائبین با اجازه - آقای شریف الملک - آقایانی که از وقت مقرر تأخیر نموده اند - میرزا یونس یکساعت و ۴ دقیقه - دکتر امیرخان یکساعت و ۴۰ دقیقه - آقایان طباطبائی - ناصر الاسلام - میرزا ابراهیم قیام یکساعت و ۲۰ دقیقه - آقا سید جلیل - یکساعت آقایان حاج سید نصرالله اردبیلی ۵ دقیقه آقایان متین السلطنه ممتازالتجار - معین الرایا - افتخار الواعظین - حاج امام جمعه - رکن الملک - انتظام الحکماء ۳۵ دقیقه آقایان ذکاء الملک - دکتر اسمعیل خان - سلیمان میرزا - شبانی - دکتر سعیدالاطباء نیمساعت.

رئیس - در صورت مجلس ملاحظه است.

حاج آقا - در صورت مجلس نوشته شده در ماده ۲۰ در مدت پنج روز الی یک ماه فلانی موافق یا مخالف بوده بنده نسبت بهمت هیچ عرض نکردم فقط ماده ۲۰-۲۱ را یکی میدانستم و تقاضا کردم يك ماده شود تصویب هم شد و در ماده ۲۷ هم بنده مخالف نبودم بطور کلی چیزیکه لازم میدانستم دادن يك نسخه دیگر از صورت مجلس بنمایانده بود و اینجا نوشته است که مخالف بوده بنده هیچ مخالف نبودم.

رئیس - بطور اصلاح میشود دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) - صورت مجلس تصویب شد قانون انتخابات از ماده (۵۰) قرائت میشود (ماده مزبور عبارت ذیل قرائت شد).

ماده (۵۰) - هرگاه یکی از اعضاء مجلس شورای ملی مستعفی یا متوفی شود اگر بیش از شش ماه با تقاضای دوره تقنینیه باقی نمانده باشد مجلس شورای ملی یک نفر بجای از انتخاب خواهد کرد لکن

اگر بیش از شش ماه از دوره تقنینیه باقی باشد اما مجلس بجای نماینده مستعفی یا متوفی انتخاب خواهند کرد هرگاه اهل محل در ظرف دو ماه از زمان اختصار انتخاب نکرده اند مجلس از این پنج نفر اولی که در انتخاب محلی نسبتاً حائز اکثریت بوده اند يك نفر را انتخاب خواهد کرد.

رئیس - مخالفی هست در این ماده.

حاج شیخ اسدالله - قانون انتخابات مجلس که در سابق یعنی در همین دوره دیدیم و معمول بوده و خیلی منافی ترتیب قانون مشروطیت بنظر می آمد در کمسیون او را رد کردند ولی باز ببارت اخیری در این ششماه يك حقی برای مجلس در انتخاب گذاشته اند بعد از آنیکه معلوم شد که مجلس در انتخاب نمایندگان هیچ حقی ندارد و تعیین نمایندگان یا خود ملت است دیگر فرق نمیکند که ششماه باشد یا دو ماه یا یکروز فلسفه یکی است اگر میباید این حق را بمجلس شورای ملی داد که عرض عضو مستعفی یا متوفی را انتخاب بکنند دیگر این ششماه و یکسال فرق ندارد باید کلاً این اختیار را بپیمان قسمی که مشمول بوده بمجلس داد ولی وقتیکه بنشاید این حق را مجلس گرفته شود و تعیین شد که مجلس این حق را ندارد نماینده رایباید ملت انتخاب بکنند دیگر این ششماه که باخر دوره مانده باشد مجلس انتخاب کند هیچ معنی ندارد و منافی با آن فلسفه است که این حق را از مجلس گرفته اند بندهم بندهم اگر که در این ششماه که باخر دوره تقنینیه باقی مانده است اسباب زحمت و کلفتی است که اگر بخود ملت رجوع کنند که مشمول انتخابات شوند شاید طول بکشد و دوره نزدیک اختتام است اگر این معظور داردهمان کسیکه در دفعه اول نسبتاً دارای اکثریت است همان کسی را بنمایندگی مجلس شورای ملی بپذیرد دیگر لزومی به تجدید انتخاب هم ندارد برای اینکه این مناسبتش با آن نظر بهتر است که او را مقید کنیم بششماه باخر دوره مانده و اختیاری را بمجلس بدهیم و بطوریکه هرگاه اعلان بملت کردند دو ماه ملت در اینکار مسامحه کرد و انتخاب نماینده خود را نکرد آنوقت از میان پنج نفر که نسبتاً دارای اکثریت هستند انتخاب کند همان نظری که عرض کردم که مجلس شورای ملی هیچ حق انتخاب و کبیل ندارد اینجام باز چه راجع به پنج نفر باشد یا بدو نفر باز هم این حق راجع بخود ملت است حالا اگر محظوری در اینجا تصور شده است که ملت شاید مسامحه بکند یا اینکه موافق دیگر در پیش باشد مثل اینکه موقع زمستان باشد یا وقت برداشتن محصول باشد که میتوانند انتخاب کنند باز همان عرضی را که در فقره اول کردم تکرار میکنم همان یک نفری که بعد از این عضو مستعفی یا متوفی دارای اکثریت است همان را بنمایندگی بپذیرند برای اینکه آن کسیکه نسبت بدیگران اکثریت دارد این خودش سمت نمایندگی دارد مثل ملاحظه بفرمائید بعد از اینکه در محلی انتخاباتشان بعمل آمد این را که میخواهم عرض کنم نظامنامه در این باب ساکت است و حالا عرض میکنم که نائل نشویم چرا که اشخاصیکه انتخاب میشوند کار دارند شغل دارند ترتیب زندگانی دارند يك کسیکه دو کرمان است یا شغل دارد یا تجارت دارد نوکری

اعتبار نامش بمجلس نرسیده و معرفی بمجلس نشده اگر استعفا داد در اینجا چه خواهد کرد غیر از اینکه آن شخصیکه بعد از او دارای اکثریت است او را می پذیرد یا اینکه اعتبار نامه اش را هم ننوشته اند پنج نفر دارای اکثریت شدند یکی دارای پنج هزار رأی و یکی دارای چهار هزار رأی و یکی دیگر دارای سه هزار رأی هستند و کذا سایرین اگر آن یکی که دارای پنج هزار رأی که اکثریت است استعفا داد آنکسی که چهار هزار رأی دارد نماینده ملت است یا نه هیچ لازم به تجدید انتخاب هم نیست این عقیده خودم است که عرض میکنم لازم به تجدید انتخاب نیست حالا که بطور شد در همه جا باید باین ترتیب نسبی عمل شود.

مثلاً اگر ششماه باخر دوره تقنینیه مانده است عضوی از مجلس استعفا داد یا متوفی شد نسبتاً هر کس که دارای اکثریت است او را بپذیرد دیگر لازم نیست خود مجلس شورای ملی معین کند و حال اینکه این حق را هم ندارد و این حق را از ملت سلب میکنند و مجلس بندهم اینگونه نوشته است بکنند از پنج نفر مجلس انتخاب میکند بسا هست که اکثریت در اینجا منظور میشود باین معنی اگر نتوانم درست بیان کنم و بیان قاصر باشم ولی مطلب بحالی میکنم مثلاً یکی از این پنج نفر دارای چهار هزار رأی است یکی دارای صد رأی و یکی دارای ۵۰ رأی ممکن است آنکه دارای صد رأی است مجلس او را انتخاب کند و آن کسیکه دارای پنج هزار رأی است انتخاب نکند او را محروم کند حال آنکه او که چهار هزار رأی دارد نماینده ملت است ملت اعتمادش باو بیشتر بوده است که بیشتر رأی در حق او داده است اما مجلس آمده است این را که کمتر رأی دارد انتخاب کرده و همین حکومت اقلیت است این است که عقیده بندهم این است که کلاً بندهم خود ملت باید و انگاز کرد هر کس را که خود ملت عقیده دارد انتخاب کند و هر کس دارای اکثریت باشد مجلس او را بپذیرد.

ذکاء الملک مخبر - در مطالب زیاد هم اغراق و مبالغه نباید کرد این مسئله انتخاب کردن مجلس بطور کلی غلط است البته مجلس حق ندارد نماینده برای ملت معین بکند و اینهم که در نظامنامه بود سابق غلط بود یا اشتباه شده بود یا اینکه يك رأی غلط داده شده بود اما این مسئله را هم این اندازه درش غلو کنیم و بگوئیم در این چندروزه آخر دوره هم مجلس حق این انتخاب ندارد این قدری افراط است بجهت اینکه در همه جای عالم اینکار را کرده اند و آنها از ما پیشقدم تر هستند در مشروطیت حالا اگر ما بگوئیم آنها در این مسئله غلط میکنند این تا اندازه افراط بنظر بندهم میباشد و حکمتش هم این است که در این چند روزه آخر دوره تقنینیه اگر بگوئیم که نمایندگانیکه متوفی یا مستعفی میشوند بجای آنها هیچ انتخاب نشود احتمال می رود یکوقت بواسطه این يك سکت مجلس شورای ملی برسد اگر بگوئیم که انتخاب بجای آنها بکنند ولی ملت انتخاب میکند احتمال دارد که متفر نشوند و بقصد نائل نشویم چرا که اشخاصیکه انتخاب میشوند کار دارند شغل دارند ترتیب زندگانی دارند يك کسیکه دو کرمان است یا شغل دارد یا تجارت دارد نوکری

کارهای دیگر دارد بیکاره که نیستند لابد این شخص از برای دو ماه سه ماه نمایندگی دست از کار خود بر نمیدارد که دست از کارهایش بکشد و يك سفر دور درازی بکند و بیاید بیسبب سی روز و کبیل شود و بر گردد هیچ همچو کاری نمیکند و اینهم از اتفاقات نادره است که اتفاق بیفتد اگر هم اتفاق بیفتد که تا سه تا پنج تا اتفاق می افتد که نماینده فوت میکند یا استعفا میدهد برای این گفته اند که این حق بمجلس باشد یکوقت اگر این اتفاق افتاد این راه چاره باشد چه بواسطه اتفاقاتی که برای مجلس فراهم میشود مجلس بتواند این را انتخاب بکند که ضمناً بقانون هایش لطمه وارد نیاید و این حق باشد که در آخر دوره نماینده که لازم است انتخاب کنند و این هیچ ضرر ندارد که میفرمایند حق را از ملت می گیرند این از ملت گرفته نشده است حتی ملت بحال خودش باقی است پس از دوسه ماه دیگر که موقع تجدید انتخاب است ملت نماینده خودش را انتخاب خواهد کرد عرض بنده در این مسئله است و با اعتقاد بنده چندان اشکال و دلجویی هم ندارد و اما مسئله دیگر که جاهای دیگر معمول بوده است و ما به اقتضای این مملکت قرار دادیم یعنی گفتیم اگر بیش از ششماه مانده باشد تاخیر دوره تقنینیه باید خود ملت انتخاب کند نماینده اش را ولی از تجربه که داریم در همین دوره در صورتیکه دوسال است گذشته دوره تقنینیه نزدیک باخر است هنوز بعضی جاها هست که نماینده خودشان را نفرستاده اند پس در اینصورت گفتیم که اگر این حق را بدهیم بملت بندهم به مجلس هیچ حق ندیم اگر یکوقت چند نفر از نمایندگان استعفاء دادند یا فوت کردند اعلام کردیم بملکین آنها که مجدداً انتخاب کنند شاید مثل اینکه تا بحال يك عده از نمایندگان نیامده اند آنها هم انتخاب نکردند و نیامدند آنوقت باین ترتیبی که در این مملکت هست در انتخابات ممکن است که تا یکسال تمام و کلام بروند و مجلس شورای ملی خالی بماند چون مجلس حق نداده اند مردم هم شاید موافق برایشان بیاید شد و کاهلی کردند اینکار را نکردند و مجلس هم از اکثریت افتاد آنوقت چه خواهد کرد مثل اینکه دیدید که اگر در این دوره مجلس این حق را نداشت تقریباً همینطور شده بود پس این چیزی که در اینجا است يك چیز فوق العاده است و در واقع مخصوص مملکت ماست گمان میکنم که لازم هم باشد اما آن قسمت دیگرش را عرض کردم که مخالفه است که میگویند این حق از ملت سلب میشود اینطور نیست در آن دو سه ماه آخر دور تقنینیه ضرر ندارد که این حق بمجلس داده شود.

وحید الملک - در اینجا آقای مخبر شرحی راجع به هولت کار از برای انتخابات مجلس ذکر نمودند بندهم تصدیق میکنم که در این مملکت عمل انتخابات آنطوری که بایست سهولت پیدا نکرده است و وسایل مسترد وهم آنطوری که شاید و باید فراهم نیست و آسمن و کلاسه پایتخت يك اشکالی دارد و این جای هیچ تردیدی نیست ولی از آنطرف این مسئله را هم نباید صرف نظر کرد که کار غلط است انتخاب از مجلس ولو یکماه هم باخر دوره مانده باشد غلط است آقای مخبر میفرمایند همه جا اینکار را کرده اند نفرمودند کجا و کی و در چه

موقع حالا اگر در فرانسه یکوقت فوق العاده از مجلس انتخاب کرده اند این دلیل نمیشود که این حق را بمجلس شورای ملی بدهیم در صورتیکه این حق را هم ندارد مجلس هم حقی را دارد بجز این حق که حق انتخاب است و حق انتخاب مخصوص ملت است نمایندگان ملت نمیتوانند که خودشان را معنی این حق بدانند و بکنی این مسئله مخالف مشروطیت و حکومت ملی است و برضد فلسفه و روح مشروطیت است و مکرر در این مجلس توضیح شده است و آقایان مفاسد اینکار را برای العین دیده اند باز میخواهند تجربه حاصل کنند و امتحان بکنند امتحان کرده ام و تجربه هم حاصل کرده ام باز يك چیز غلطی میخواهم داخل قانون خودمان بکنیم لهذا بنده خواهش میکنم از اعضاء کمسیون که يك جزئی راحت را بر يك چیز خیلی صحیحی گروخ مشروطیت و فلسفه قانون است ترجیح ندهند و انتخابات را مخصوص ملت بدانند این يك نکته اما يك نکته دیگر که از اینهم غریب تر میباید و خود آقای مخبر هم تصدیق فرمودند این است که حق انتخاب را بملت بدهیم لکن در یک مدت محدودی و بگوئیم کجا در مدت دو ماه این حق را باید داشته باشید و پس از دو ماه این حق که حق خودتان است دیگر نداشته باشید اینهم چیز خیلی غریبی است اگر فلسفه این را فهمیدیم و قبول کردیم که انتخابات حق ملت است و ملت باید اینکار را بکند و این يك حق است فی حد ذاته ملت دارد آنوقت ما نمیتوانیم خودمان يك حسی برای آنها قرار بدهیم که در مدت دو ماه دارای این حق هستند و بعد از ششماه سلب میشود این يك غلط و اما غلط فلسفی آن که آقای آقا شیخ اسدالله فرمودند این است که افکار ملت بی حقیقت محدود نمیدانند امسال مردم از برای بعضی مصالح در یکباره مقتضیات زید عمرو بگوروا انتخاب میکنند ولی بعد از ششماه یکسال آن مقتضیات مرتفع میشود ملت عقیده اش این میشود که آنها را نایستی انتخاب کنند میباید عوض زید و عمرو و حسن و حسین تقی و زکی را انتخاب میکنند و آنوقت ما میائیم و بگوئیم شما بخود اینکار را کرده اید و این دو ماه که شما انتخابتان را نکرده اید ما امروز زید و عمرو را که ششماه یکسال پیش از این میخواستید انتخاب بکنید و حالا دیگران را میخواهید انتخاب بکنید ما همانها را انتخاب میکنیم و این يك چیزی است برضد فلسفه قابل تغییر بودن افکار عمومی میشود زید و حسین اشخاص هستند که امروز مورد حسن ظن هستند ولی ششماه بعد مورد سوء ظن واقع میشوند در اینصورت ما يك حقی را از برای خودمان اختیار کرده ایم که بکنی برضد فلسفه حقانیت است که حق ملت را باطل کرده ایم و از طرف دیگر برخلاف حکمت و قابل تغییر بودن است و اما راجع بسا بقیه کردن که آقای مخبر فرمودند این را نباید مبالغه کرد که این حق را ششماه بمجلس بدهیم ششماه عیب ندارد دوسال را بر میداریم ششماه حق میدهیم بمجلس بندهم عرض میکنم که از آنطرف هم نمیشود مبالغه کرد که در ظرف ششماه باخر دوره مانده این قدر از و کلاسه مستعفی و متوفی شوند که مجلس از اکثریت بیفتد يك مجلس شورای ملی که يك عده معنی دارد که خیلی زیادتر از آنست که باید مجلس را قانوناً منعقد بکنند ششماه که آخر دوره مانده باشد آنوقت بطور جزئی میتوان